

Stoning

سنگسار

ساکنان قره داغی


AVAYE BUE
نشر آوای بوف
978-87-93926-15-8

سنگسار

ساسان قره داغی



نشر آوای بوف

avayebuf.wordpress.com

avaye.buf@gmail.com

سنگسار

Sangsar (Stoning)

نویسنده : ساسان قره داغی

Written by : Sasan Gharehdaghi

Illustratir: Houriyeh Gharehdaghi

انتشارات : آوای بوف

Publish: Avaye Buf

ISBN : 978-87-93926-15-8

©2019 Avaye Buf

avaye.buf@gmail.com

-

www.avayebuf.wordpress.com

فهرست

سخن ناشر	۶
مقدمه	۸
تاریخچه سنگسار	۹
دوران کهن :	۹
سنگسار در دین زرتشت	۱۱
سنگسار در ادیان ابراهیمی	۱۴
۱ - سنگسار در تورات	۱۴
۲ - سنگسار در مسیحیت :	۲۱
- سنگسار در اسلام :	۲۹
قرآن و سنگسار :	۲۹
احادیثی اثبات سنگسار توسط شیعه و سنی :	۳۳
نظر مسلمین شیعه در ایران درباره سنگسار	۳۸
دلایل و تقابل مسلمین شیعه در مقابل مدافعان حقوق بشر	۴۰
قوانین دادگاه و قاضی در برابر زانب «زنا کننده» :	۴۳
قوانین سنگسار :	۴۴
سنگسار در بهائیت :	۴۸
سیر قانون جزا از وضعیت سنگسار، در امروز و آینده ایران	۴۹
شرایط سنگسار در قانون و شرع	۵۱
مجازات سنگسار در قانون مجازات اسلامی جدید	۵۲

سنگسار در ایران	۵۵
حکم سنگسارهای خبر ساز :	۵۶
سنگسار کودکان	۶۳
لیست قربانیان سنگسار در جمهوری اسلامی	۶۵
تحلیل مجازات سنگسار از منظر حقوق بشر	۷۰
تحلیل فمینیستی مجازات سنگسار	۸۱
توهم حذف سنگسار در ایران	۷۲
سنگسار در دیگر کشور ها	۷۵
افغانستان	۷۶
پاکستان	۸۰
قطر	۸۱
سومالی	۸۱
نیجریه	۸۲
سودان	۸۳
یمن	۸۴
عربستان	۸۴
عراق	۸۵
سنگ های سرزمین مادری	۸۶
منابع	۸۹

سخن ناشر

حیوانات با غرایز زاده میشوند. این غرایز، مهارت ها و معلوماتی هستند که موجود زنده بدون آموزش از ابتدای تولد با خود همراه دارد. غرایز از سرشت برمیخیزد و اکتسابی و آموختنی نیست، لاکپشت های دریایی که در کنار ساحل بدنیا می آیند، از لحظه زایش، خود به خود به سوی دریا حرکت میکنند.

لانه سازی، جنگ طلبی، شناخت دشمن و دیگر رفتارهای جانوران رفتارهای غریزی است که برای بقا لازم بوده است.

گشتن و دریدن در آنها غریزی است و ضمانتی است برای بقایشان. نه از گشتن لذت میبرند و نه از تماس جنسی هدفی بجز تنازع بقا دارند.

از حدود ۵۰،۰۰۰ سال پیش که انسان خردمند و نوین پا به عرصه وجود گذاشت و به قدرت تفکر خود را متمایز از حیوانات و جانوران یافت، متوجه شد که برخلاف حیوانات دیگر، انسان هیچ غریزه ای ندارد و مهارت ها و تجربیات را باید بیاموزد و فرا گیرد. از این رو آموزش های مختلف در مکان های متفاوت، نتایج متفاوت در بر داشت. یک گربه در تمام نقاط دنیا غرایز ی یکسان دارد، ولی انسانها تحت تعالیم متفاوت یکسان نیستند، آموزش و محیط در شکل گیری شخصیت انسانی نقش مهمی بعهده دارند.

از زمان پیدایش مذاهب و نقش آنان در تعلیم و تربیت و اخلاق، انسان ها در سایه این تعالیم به ارزش هایی دسترسی پیدا کردند و آن را سمبل انسانیت نامیدند که ضد ارزش بود و آموخته هایشان تنها فطرت های حیوانی را در آنان پرورش میداد. در حیوان چیزی بنام وجدان وجود ندارد و آنچه که در انسان وجدان نامیده میشود و عاملی باز دارنده است. در ارتکاب جرائم بوسیله مذهب اعمال خلاف را توجیه میکند و زشتی و پلیدی عمل را سر پوش میگذارد و اعمالی که در عرف قبیح است و نا پسند، به اعمالی خداپسندانه و نیکو تبدیل میگردد. دزدی و کشتن اگر بخاطر موجود موهوم و نادیده ای بنام خدا باشد تبدیل به جهاد فی سبیل الله میگردد و شنیع ترین و بیرحمانه ترین قوانین مجازات به نام او رقم میخورد.

یکی از بیرحمانه ترین مجازات های ضد بشری که تقریباً در تمام دین ها از آن نام برده شده است، مجازات سنگسار می باشد که حق زندگی را که از حقوق ذاتی انسان است از او سلب می نماید.

پیامبرانی که خود را نمایندگان خدا در روی زمین و معلمین اخلاق می دانند، این مجازات شنیع را خواسته خداوند می دانند و مانند کاهنان معابد که برای خشنودی بت ها انسانها را قربانی میکردند، اینان نیز سنگسار را خواسته خداوند جلوه می دادند و مومنان برای خشنودی خدای موهوم دست به کثیف ترین جنایات می زدند. در روایات آمده است که محمد پیامبر اسلام که کامل ترین و بهترین و انسانی ترین راه و روش زندگی را برای مسلمین به ارمغان آورده است، در سنگسار شرکت میفرمودند و بعد از سنگسار بر میت نماز میخواندند.

در کتب به اصطلاح مقدس تورات و انجیل از سنگسار نام برده شده، ولی در قرآن از آن ذکری نشده و از عایشه سخنی است که آیات سنگسار که بر روی کاغذی پاپیروس نوشته شده بوده، بوسیله بز خورده شد.

سنگسار کردن یک انسان عملی است فجیع و غیر انسانی که هیچ حیوانی مرتکب آن نمیشود و فقط انسان است که میتواند به این درجه از پستی و شقاوت سقوط کند .

کتاب سنگسار نوشته محقق و اسلام شناس توانا ساسان قره داغی از معدود کتبی است که به این موضوع پرداخته و این پدیده جنایتکارانه را از زوایای مختلف تاریخی و دینی مورد بررسی قرار داده است. مجازاتی که رد آن را در قانون حمورابیو توراتو انجیل و احادیث اسلامی می توان یافت که لکه ننگی است بر تاریخ بشریت.

آوای بوف

با گذشت ۱۴۰۰ سال از دین ساختگی و سراسر توحش اسلام و با توجه به این اعمال دلخراش (سنگسار) آیا امیدی به این وحشیان (مسلمان) هست؟ چطور میتوان با این افراد که رفتارشان با مخالفان عقیده شان، حتی حیوان پسندانه نیست، مناظره کرد و فهماند که قرآن و اسلام اشتباه و ساختگی است؟

امروزه اجرای حکم سنگسار تا حدود قابل توجهی کاهش یافته است؛ اما کم بودن آن چیزی از غیر انسانی بودنش نمیکاهد! البته عده ای با مغلطه و سفسطه سعی دارند این عمل را قابل قبول ارائه بدهند. از جمله دلایل آنها برای نشان ندادن چهره وحشیانه این عمل بدین شرح است:

زنی که به همسر خود خیانت میکند لایق مرگ است!

اگر همسرت چنین رفتاری با تو کند بازهم میگویی سنگسار صحیح نیست؟!

حتما خودت هم یک خیانتکار هستی که از یک خیانتکار فاحشه دفاع میکنی!

این مغلطه، سفسطه و توهین هایی است که بعد از محکوم کردن سنگسار میشنویم!

سنگسار یک نوع مجازات مرگ است که از طریق پرتاب سنگ (که به صورت گروهی انجام می شود) به طرف مجرم صورت می گیرد. جامعه بین المللی اعدام از طریق سنگسار را «عملی وحشیانه و سبانه» تلقی می کنند. مجازات سنگسار دارای پیشینه تاریخی بلندی است. در کتب تاریخی به رواج سنگسار به عنوان مجازات در یونان باستان اشاراتی شده است. در منابع ادیان ابراهیمی همچون یهودیت، مسیحیت و اسلام نیز به مجازات سنگسار اشاراتی شده است.

تاریخچه سنگسار

دوران کهن :

سنگسار، شدیدترین شکل مجازات دوران باستان بوده است. قدیمی‌ترین قوانینی که بوسیله بشر ساخته شده‌اند بر روی الواح سومری مربوط به دوره‌ی سلسله‌ی سوم سومر در طول دوران ۱۰ ساله‌ی پادشاهی اوروکاگینا (Urukagina) در شهر لاگاش در بین‌النهرین، کشف شده‌اند. قدمت این الواح به ۲۴۰۰ پیش از میلاد (یعنی حدود ۴۴۰۰ سال پیش) می‌رسد. کرامر یکی از بزرگ‌ترین سومرشناسان متن این قوانین را آورده که ترجمه‌ی قسمتی از آن که به مجازات سنگسار اشاره دارد، چنین است: «کسی را که دزدی کرده و زنی را که با دو مرد زناشویی کرده باید سنگسار کرد. آن‌ها را باید با سنگ‌هایی که نیت شیطانی آن‌ها بر روی آن حک شده سنگسار کرد. زنی را که به مردی چیزی را که نباید می‌گفته [آن کلمات روی لوح ناخوانا هستند]، گفته است باید دهانش را با آجر پخته کوبید تا دندان‌هایش خرد شوند. آجری که گناه و جرم آن زن بر روی آن حک شده است.»

بدون شک، این قانون نوشته شده روی لوح سنگی هم حتماً بیان و تنظیم‌شده‌ی آن رفتاری بوده که پیش از آن در میان مردم انجام می‌شده است. درباره‌ی مجازات زن به جرم زنا و خیانت در قوانین حمورابی در بابل، به غرق کردن زن اشاره شده و موضوع سنگسار نیامده است. این قوانین ۳۰۰ سال پس از قوانین قبلی تدوین شده‌اند. از سنگسار در اساطیر یونان باستان نیز سخن رفته است: ادیپ (Oedipus)، زمانی که متوجه می‌شود که به قتل پدرش دست یازیده است، می‌خواهد محکوم به سنگسار شود. از این گذشته، گزارش‌های تاریخی نیز به اجرای حکم سنگسار در یونان باستان گواهی می‌دهند. چنان‌که هرودوت داستان سنگسار لیسیداس (Lycidas) را در جلد نهم تاریخ خود بیان می‌دارد. جان مارین‌کولا می‌نویسد: هرودوت، در اثر تاریخی‌اش، در جلد نهم، که در سده پنجم میلادی نگارش شده است، اشاره‌ی به نماینده‌ی آتن در سلامیس چنین می‌نماید، «مردی که

لیسیداس نامیده می‌شود»، به همشهریانش پیشنهاد می‌نماید که آنان باید به‌سازشی که از سوی خشایار اول، شاه پارس که با آنان در جنگ بود، موافقت نشان دهند. لیسیداس، به‌وسیله آنانی که در داخل و یا خارج شورا به‌شدت عصبانی و ناراحت بودند، به‌گمان این‌که با دشمن در چارچوب این پیشنهاد سر سازش دارد، سنگسار شد. زنان آتن در حالی که بر مساله سنگسار لیسیداس به هیجان آمده بودند، بدون این‌که چیزی به مردان بگویند، هر کدام همسایگان خود را تشویق نمودند تا به دور خانه لیسیداس گرد آمده، زن و فرزندان او را نیز سنگسار کنند.

در یونان باستان سنگسار برای دو مورد اجرا می‌شده : همبستری با محارم، کفر و توهین به خدایان یونان.

سنگسار در دین زرتشت

در باب چهل و ششم از رساله‌ی «صد در نثر» که یکی از مهم‌ترین متون حقوقی و فقهی زرتشتی است، چنین نوشته شده: «اینکه چون مردم، چهارده ساله باشند کُشتی [کمر بند مقدس و نشانه‌ی دین زرتشتی] برباید بستن. چه دستوران گفته‌اند که آن نه ماه که در شکم مادر بوده‌اند هم اندر حساب باید گرفتن! چه در دین ما کاری بهتر از کُشتی داشتن نیست. بر مرد و زن فریزوانست، و به روزگار پیشین اگر کسی پانزده ساله تمام شدی و کشتی نداشتی او را به سنگسار کردند که نان و آب بر وی حرام است». همین گفتار در ترجمه‌ی دانشمند اوستاشناس، وست (E. W. West) که چنین آمده:

The forty-sixth subject is this, that, when people become fourteen years of age, it is necessary to tie on the sacred thread-girdle [kusti], because the high-priests have said that it is likewise necessary to take into account those nine months that they have been in the womb of the mother

For in our religion there is no duty better than wearing the sacred thread-girdle , and it is incumbent on man and woman. And, in former days, if any one should have become completely fifteen years of age, and should not have worn the sacred thread-girdle, they would have done for him by stoning, as bread and water are forbidden ('haram) for him

سنگسار زنان زناکار، در زمان فرمانروایی کورش کبیر بر بابل، امری رایج بود که اسناد و الواح حقوقی درباره هخامنشیان این مسئله را تأیید می‌کنند. هرچند باید توجه داشت که سنگسار زنان در بابل، امری نبود که کورش کبیر آن را به وجود آورده باشد، بلکه وی اجازه داد تا در قلمرو حکومتش قانون سنگسار اجرا شود. ویل دورانت نیز تأیید می‌کند که در عصر هخامنشیان مجازات سنگسار رایج بود. گناهای مانند خیانت به شاه، سوزاندن یا دفن کردن مردگان، تجاوز به حریم کاخ شاهی، نزدیک شدن به کنیزکان شاه، بی‌ادبی به خاندان سلطنتی و... کیفر مرگ داشت. در این گونه حالات، گناهکار را ناچار می‌کردند که زهر بنوشد یا او را به چهار میخ می‌کشیدند یا به دار می‌آویختند، یا سنگسارش می‌کردند یا جز سر، تمام بدن او را در خاک می‌کردند یا سرش را میان دو سنگ بزرگ می‌کوفتند و مجازاتی‌هایی دیگر.

منابع بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد در عصر ساسانیان نیز مجازات سنگسار علیه مجرمین به اجرا در می‌آمد. از جمله مواردی متعدد از سنگسار مسیحیان (به جرم ارتداد از دین زرتشتی و تبلیغ برای مسیحیت) رخ داد. برای نمونه در زمان یزدگرد دوم، دو راهبه‌ی مسیحی را مصلوب کرده، سپس سنگسار نمودند. همچنین خسرو پرویز در زمان پادشاهی‌اش، دستور داد تا یک ایرانی به نام بندویه را به جرم ناسزا گفتن به پادشاه، سنگسار کردند. بنابر اسناد تاریخی، شاهزادگانی که یاغی می‌شدند و علیه حکومت ساسانی، اقدام می‌کردند مصلوب یا سنگسار می‌شدند و بعضاً اعضای بدنش بریده می‌شد. گذشته از این بنابر قوانین حکومتی عصر ساسانی (که برگرفته از فقه زرتشتی بود)، مجازات نگاه کردن به زنان مردم نیز بسیار خشونت بار بود. بدین صورت که مجرمین را تیرباران و یا زنده به گور (در چاه) می‌کردند. چنان‌که در شاهنامه آمده است که انوشیروان گفت:

کسی کو کند بر زن کس نگاه چو خصمش بیاید بدرگاه شاه
نیابد به جز چاه و دار بلند که با دار تیرست و با چاه بند

در تراژدی مهبود نیز شاهد هستیم که انوشیروان دستور داد تا خائنین و فتنه‌گران را سنگسار نمودند. ماجرا از این قرار بود که انوشیروان، وزیری به نام مهبود داشت. یکی دیگر از درباریان انوشیروان شخصی به نام آذرونداد بود، که به جایگاه و مقام مهبود حسادت می‌ورزید. لذا به همراهی یک یهودی تصمیم گرفت تا توطئه کرده، مهبود را از مقامش به زیر کشند. از همین روی انوشیروان را نسبت به مهبود بدگمان کرده؛ پادشاه نیز دستور داد تا مهبود را به همراه تمامی اعضای خانواده‌اش قتل‌عام نمودند. ایام گذشت، تا اینکه انوشیروان دریافت که مهبود بی‌گناه بود، بدین سبب از رفتار ستمگرانه‌ی خود پشیمان شد، پس دستور داد تا آذرونداد و مرد یهودی را به دار آویختند و آنگاه آن دو را سنگسار نمودند. بر پژوهشگران روشن است که انوشیروان، دادگسترترین پادشاه ساسانی، کسی بود که به گواهی خود و موبدان، جز به رضایت و خواسته‌ی اهورامزدا کاری نمی‌کرد و هر آنچه در زندگانی به انجام رساند، کردار نیک بود.

نکته‌ی شگفت‌انگیز در مسئله سنگسار این است که مردم ایران از تماشای سنگسار مجرمین بسی لذت می‌بردند. آن چنان که وقتی اسکندر، دو نفر از قاتلین «دارا» را سنگسار نمود، ایرانیان از این رفتار خرسند و دلشاد گشته؛ اسکندر را تشویق کردند! در شاهنامه می‌خوانیم:

سر شاه کش مرد بیـــــدار کرد	دو بد خواه را زنده بر دار کرد
گرفته یکی سنگ هر یک بچنگ	ز لشکر برفتند مردان جنگ
مبادا کسی کو کشد شهریار	بکردند بر دارشان سنگسار
بـــــزاری بران شاه آزاد مـــــرد	چو دیدند ایرانیان کو چه کرد
بدان سرور شهریار زمین	گرفتند یک سر برو آفرین

سنگسار در ادیان ابراهیمی

در اینجا قصد داریم به بررسی سنگسار از نظر ادیان ابراهیمی نگاهی بیندازیم :

۱- سنگسار در تورات

برای بررسی سنگسار سریعترین، بهترین و دقیق ترین راه جهت دستیابی به نتیجه، مراجعه به عهد عتیق کتاب مقدس یهودیان است که راهنمای تمام حرکات و رفتار آنها نیز میباشد.

سفر خروج

باب ۱۹ این باب مربوط به رفتن موسی به کوه است و تا موقعیکه او در کوه است هیچ انسان و یا حیوانی حق نزدیک شدن به آن کوه را ندارد وگرنه مجازات خواهد شد و مجازات آن نیز سنگسار یا تیر باران است.

آیه ۱۲ : و حدود برای قوم از هر طرف قرار ده و بگو بر حذر باشید از اینکه بفراز کوه برآئید یا دامنه آنرا لمس نمائید زیرا هر که کوه را لمس کند هر آینه کشته شود.

آیه ۱۳ : دست بر آن گذارده نشود بلکه یا سنگسار شود یا به تیر کشته شود خواه بهایم باشد خواه انسان، زنده نماند، اما چون کرنا نواخته شود ایشان بکوه برآیند.

تفسیر: در اینجا حتی تاکید میکند که انسان یا حیوانی که باید کشته شود را نباید لمس کرد بلکه باید از دور او را بوسیله تیر یا سنگ کشت. شاید یکی از مسائل سنگسار نیز همین عدم لمس بوده باشد و البته میتوان تصور کرد که چنین مرگی بسیار وحشتناک تر از زمانی است که شخص را در چاله ای فرو کرده و سنگ باران کنند تا کشته شود. زیرا وقتی شخص آزاد است دائما از سنگ فرار میکند و بعد از مدتی طولانی که بر اثر ضربات سنگ خسته و زخمی و رنجور شد کشته میشود.

سفر خروج

باب ۲۱ : در این باب از مجازاتها و از جمله مجازات مرگ برای اعمال مختلف صحبت میشود.

آیه ۱۲ : هرکه انسانی را بزند و او بمیرد هر آینه کشته شود.

آیه ۱۵: وهرکه پدر یا مادر خود را زند هر آینه کشته شود.

توضیح: با مراجعه به ترجمه های انگلیسی و سوئدی مقصود از زند همان کتک زدن میباشد. با توجه به کلیت متن کتاب مشخص میشود که این کشتن ها بوسیله سنگسار صورت میگیرد.

آیه ۲۴: و چشم بعوض چشم و دندان بعوض دندان و دست بعوض دست و پا بعوض پا. آیه ۲۵: و داغ بعوض داغ و زخم بعوض زخم و لطمه بعوض لطمه

مجازات سنگسار برای گاو

باب ۲۱

آیه ۲۸: و هرگاه گاوی بشاخ خود مردی یا زنی را بزند که او بمیرد گاو را البته سنگسار کنند و گوشتش را نخورند و صاحب گاو بیگناه باشد.

آیه ۲۹: ولیکن اگر گاو شاخ زن میبود و صاحبش آگاه بود و آن را نگاه نداشت و او مردی یا زنی را کشت گاو را سنگسار کنند و صاحبش را نیز بقتل رسانند.

آیه ۳۲: اگر گاوی غلامی یا کنیزی را بزند سی مثقال نقره بصاحب او داده شود و گاو سنگسار شود.

توضیح: قانون مجازات نه تنها برای این است که شخص خطا کار مجازات یا تنبیه بشود بلکه درسی باشد برای سایرین تا بدانند چنانچه آنها نیز همان خطا را مرتکب شوند شامل مجازات (حتی مرگ) خواهند شد. حال در مورد گاو و اینکه با مجازات یک گاو چگونه سایر گاو ها متنبه خواهند شد امر عجیبی است. ظاهراً گاوها را جمع کرده توضیح میداند که اگر کسی را با شاخ بزنی و بکشی بدین شکل سنگسار میشود. کمدمی بنظر میرسد ولی واقعیت و آیه ای است از کتاب مقدس یهودیان که باید برمبنای آن رفتار کنند. اما اگر مقصود اینست که باین عمل صاحب گاو جریمه بشود زیرا یک گاو را از دست میدهد باید دید گناه گاو بیچاره چیست که باید با شیوه سنگسار بمیرد و گوشتش هم خورده نشود؛ و البته باز هم نباید موضوع متنبه شدن سایرین (در اینجا گاوها) را فراموش کرد.

آیا بهتر نیست انسان ها به جای سنگسار کردن و زجر دادن گاو آن حیوان به قصابی برده و از گوشت حیوان مانند تمام جانداران استفاده شود؟ آیا بهتر نیست شاخ های گاو با ببریم تا باعث مرگ کسی نشود؟ آیا بستن گاو مقصر (هر چند از روی غریزه) بهتر از سنگسار کردن و دور انداختن گوشت حیوان نیست؟

چند حکم مرگ از سفر خروج

باب ۲۲

در این باب از قوانین مجازات صحبت میشود ولی چون صحبت بر سر حکم اعدام است تنها آن آیات آورده میشود.

آیه ۱۸ : زن جادوگر را زنده مگذار

آیه ۱۹ : هرکه با حیوانی مقاربت کند هر آینه کشته شود.

آیه ۲۰ : هرکه برای خدای غیر از یهوه و بس قربانی گذراند البته هلاک شود.

- توضیح : در این آیات از کشته شدن نامبرده شده که با توجه به تفاسیری آورده شده، مشخص میشود کشتن این افراد با سنگسار بوده است. با توجه به آیات فوق بنظر میرسد رسم کشتن زن باصطلاح جادوگر در دوران انگیزاسیون بوسیله یهودیان وارد مسیحیت شده باشد . نکته دیگر اینکه حتی قربانی کردن برای خدائی غیر از یهوه حکم مرگ (سنگسار) دارد.

باب ۱۵

آیه ۳۲ : و چون بنی اسرائیل در صحرا بودند کسی را یافتند که روز سبت هیزم جمع میکرد. آیه ۳۳ : و کسانی که او را یافتند که هیزم جمع میکرد او را نزد موسی و هارون و تمامی جماعت آوردند.

آیه ۳۴ : و او را در حبس نگاه داشتند زیرا که اعلام نشده بود که با وی چه باید کرد.

آیه ۳۵ : و خداوند به موسی گفت این شخص البته کشته شود تمامی جماعت او را بیرون از لشکرگاه با سنگها سنگسار کنند.

آیه ۳۶ : پس تمامی جماعت او را بیرون از لشکرگاه آورده او را سنگسار کردند و بمرد چنانکه خداوند به موسی امر کرده بود.

توضیح : در زمانهای گذشته مردم یا زمین دار یا گله دار یا تاجر و یا صاحب صنعتی در حد تمدن و پیشرفت خود بودند؛ فقیر ترین انسانها کسی بود که نه زمین داشت نه گله ای و نه صاحب صنعت و مالی بود. این فقیرترین و بی چیزترین آدم ها تنها اتکا یا ممر درآمدشان آن بود که از صبح زود تا شام به صحرا بروند و بوته

های خشک را جمع آوری کرده برای فروش بیاورند تا لقمه نانی داشته باشند. حال وقتی چنین فرد فقیری را که درآمد اندکش روزانه میباشد با چنین وضعی تنها به جهت کار در روز سبت (شنبه) بدستور یهوه سنگسار میکنند، می توان بسادگی پی برد که در نتیجه چنین قوانین سخت و خشنی عده زیادی از این دین روی گردان شده و مسیحیت را پایه گذاری کردند.

صحیفه یوشع

باب ۷

آیه ۲۴ : و یوشع و تمامی بنی اسرائیل با وی عخان پسر زارح و نقره و ردا و شمش طلا و پسرانش و دخترانش و گاوانش و حمارانش و گوسفندانش و خیمه اش و تمامی مایملکش را گرفته آنها را بوادی عخور بردند.

آیه ۲۵ : و یوشع گفت برای چه ما را مضطرب ساختی خداوند امروز ترا مضطرب خواهد ساخت پس تمامی اسرائیل او را سنگسار کردند و آنها را سوزانیدند و ایشانرا به سنگ ها سنگسار کردند. آیه ۲۶ و توده بزرگ از سنگ ها براو برپا داشتند که تا بامروز هست و خداوند از شدت غضب خود برگشت بنابراین اسم آن مکان تا امروز "وادی غَخمور" نامیده شده است.

توضیح : یوشع جانشین موسی برای تصرف سرزمین فلسطین به آنجا حمله میکند و مردم آنجا را به وحشیانه ترین وجهی به همراه تمامی حیوانات بلااستثنا بقتل میرساند؛ بطوریکه در هیچ کجای تاریخ سابقه نداشته است. بعد شهرها را به آتش میکشد. اما در یکی از آنها شکست میخورد و در این رابطه گناه (بهانه شکست) را بگردن شخصی بنام "عخان بن کرمی ابن زبدی بن زارح" میاندازند زیرا این شخص مقداری طلا و نقره و پارچه را از غنائم برای خود برمیدارد در حالیکه آنها را باید به معبد میدادند که در اساس زیر سلطه هارون برادر موسی بود و به جیب آنها ریخته میشد. در نتیجه این شخص به همراه تمامی خانواده اش و حتی حیواناتش (گاو، گوسفند، الاغ) و خیمه و اثاثیه منزل سنگسار میشود.

کتاب اول پادشاهان باب ۱۲

موضوع این باب درگیریهایی بنی اسرائیل برهبری یوشع با اقوام و حکومتهای آن سرزمین هاست.

آیه ۱۸ و رَحُبعام پادشاه، " ادورام " را که سردار باج گیران بود فرستاد و تمامی اسرائیل او را سنگسار کردند که مُرد و رَحُبعام پادشاه تعجیل نموده بر عرابه خود سوار شد و به اورشلیم فرار کرد.

باب ۲۱

آیه ۱۳: و دو نفر از بنی بلیعال در آمده پیش وی نشستند و آن مردان بلیعال بحضور قوم بر " نابوت " شهادت داده گفتند که " نابوت " برخدا و پادشاه کفر گفته است و او را از شهر بیرون کشیده وی را سنگسار کردند تا بمُرد.

آیه ۱۴: و نزد ایزابل فرستاده گفتند که نابوت سنگسار شده و مُرده است.

آیه ۱۵: و چون ایزابل شنید که نابوت سنگسار شده و مرده است ایزابل به " آخاب " گفت برخیز و تاکستان " نابوت یَزْرَعیلی " را که او نخواست آنرا بتو به نقره بدهد متصرف شو زیرا که نابوت زنده نیست بلکه مرده است.

توضیح: کسیکه به خدا و یا پادشاه کفر میگفت مجازات سنگسار داشت. همچنین از آیه ۱۸ باب ۱۲ معلوم میشود که در آنزمان اورشلیم در اختیار یهودیان نبوده است.

کتاب دوم تواریخ ایام باب ۱۰

آیه ۱۸: پس رحبعام پادشاه " هدورام " را که رئیس باجگیران بود فرستاد و بنی اسرائیل او را سنگسار کردند که مُرد و رَحْبَعَام پادشاه تعجیل نموده برعرابه خود سوار شد و به اورشلیم فرار کرد.

باب ۲۴

آیه ۲۰: پس روح خدا زکریا ابن یهویداع کاهن را ملبس ساخت و او بالای قوم ایستاده بایشان گفت خدا چنین میفرماید، شما چرا از اوامر یهوه تجاوز مینمائید پس کامیاب نخواهید شد، چونکه خداوند را ترک نموده اید او شما را ترک نموده است.

آیه ۲۱: و ایشان بر او توطئه نموده او را بحکم پادشاه در صحن خانه خدا سنگسار کردند.

آیه ۲۲: پس یوآش پادشاه احسانی را که پدرش یهویداع بوی نموده بود بیاد نیاورد بلکه پسرش را بقتل رسانید و چون او میمرد گفت خداوند این را ببینید و باز خواست نمائید.

توضیح: داستان چنین است که " یهویداع " کاهنی بود که در زمان پادشاهی بنام " یوآش " نفوذ زیادی داشت و در خدمت یهوه بود. اما بزودی پس از مرگ او مردم دوباره به بت پرستی روی میآوردند تا اینکه روح خدا برای ارشاد آنها " زکریا ابن یهویداع " را میفرستد تا مردم را از بت پرستی برحذر کند ولی پادشاه خدمات پدر این

شخص را فراموش میکند و دستور سنگسار زکریا را میدهد. این نیز نشان میدهد که قرن‌ها پس از موسی یهودیان باز گرایش به بت پرستی داشتند و بمجرد اینکه کاهنی قدرتمند بنام یهویداع میمرد دوباره به بت پرستی باز میگردند و حتی پسر او را سنگسار میکنند.

تورات، کتاب لاویان ۲۰، از ۱۰ تا ۱۴ :

اگر فردی با همسر شخص دیگر زنا کند، مرد و زن هر دو باید کشته شوند. اگر مردی با زن پدر خود همبستر شود به پدر خود بی احترامی کرده است، پس آن مرد و زن باید کشته شوند، و خونشان به گردن خودشان میباشد. اگر مردی با عروس خود همبستر شود، باید هر دو کشته بشوند، زیرا زنا کرده اند، و خونشان به گردن خودشان میباشد، اگر دو مرد با هم نزدیکی کنند باید کشته شوند، و خونشان به گردن خودشان میباشد، اگر مردی با زنی و با مادر آن نزدیکی کند، گناه بزرگی کرده است و هر سه باید زنده سوزانده شوند تا این لکه ننگ از دامن شما پاک شود.

تورات تثنیه ۲۲، از ۲۲ تا ۲۷ :

اگر مردی در حال ارتکاب زنا با زن شوهرداری دیده شود، هم آن مرد و هم آن زن باید کشته شوند. به این ترتیب، شرارت از اسرائیل پاک خواهد شد. اگر دختری که نامزد شده است، در داخل دیوارهای شهر توسط مردی اغوا گردد، باید هم دختر و هم مرد را از دروازه شهر بیرون برده، سنگسار کنند تا بمیرند. دختر را بخاطر اینک فریاد زده و کمک نخواستہ است و مرد را بجهت اینکه نامزد مرد دیگری را بی حرمت کرده است. چنین شرارتی باید از میان پاک شود اما اگر چنین عملی خارج از شهر اتفاق بیافتد تنها مرد باید کشته شود، چون دختر گناهی که مستحق مرگ باشد مرتکب نشده است. این مثل آن است که کسی بر شخصی حمله ور شده او را بکشد، زیرا دختر فریاد زده و چون در خارج از شهر بوده کسی به کمکش نرفته است تا او را نجات دهد.

همانطور که از تورات نقل قول شد ؛ در تورات بطور مشخص دستور داده شده است که زناکار را باید سنگسار کرد !

البته میان قوانین یهود با اسلام اندکی تفاوت وجود دارد، به زناکار یکبار اخطار داده میشود و در مرتبه دوم او مستحق سنگسار شدن است. در تورات سنگسار تنها برای زنا در نظر گرفته نشده است بلکه تورات در مورد کفر ورزیدن، دین دیگری را انتخاب کردن، به خدا فحش دادن، جادوگری کردن نیز دستور به سنگسار میدهد. همچنین آمده است که موسی شخصی را بخاطر توهین به خدا سنگسار کرد و کشت. یهودیان حدود دو هزار

سال است که هیچ کس را سنگسار نکرده اند، و از این دستور تورات سرپیچی کرده اند، و دلیل این سرپیچی بسیار جالب است: اسرائیل سرزمین یهودیان در دو هزار سال پیش توسط رومی ها مورد تجاوز قرار گرفت و دستگاه مذهبی آنها که شامل دادگاه و مجلس یهودیها (Sanhedrin) بود نابود شد.

از آن روز تا به این روز یهودیان موفق نشده اند دادگاه شرعی تشکیل بدهند، زیرا گویا برای تشکیل چنین دادگاهی نیاز به تعداد مشخصی (هفتاد و یک) خاخامهای دانش آموخته دارند، تا بتوانند در مورد جان انسانها تصمیم بگیرند.

برخی از یهودیان معتقدند تا زمان ظهور عیسی مسیح چنین دستگاه قضایی شکل نخواهد گرفت و تا آن زمان یهودیان نه کسی را سنگسار خواهند کرد و نه از روی قوانین دینی خود در مورد جان انسانها تصمیم میگیرند.

از آنجا که چنین اتفاقی (ظهور مسیح) هرگز اتفاق نخواهد افتاد نباید نگران این بود که یهودیان کسی را سنگسار کنند.

البته این بسیار خوشایند است که یهودیان به هر بهانه و دلیلی از عمل به دستورات دینی خود که بسیار وحشیانه و زشت و ضد انسانی است، خود داری میکنند. اما مسلمانان دستورات یهودی را که خود یهودیان آنها را پیاده نمیکند با شور و اشتیاق اجرا میکنند. تا اینجا آن تعداد آیه هایی که در عهد عتیق در باره سنگسار آمده بود ذکر شد. با توجه به اینکه در این دسته کتب باصطلاح مقدس چنانچه دستوری یا حرفی حتی یکبار آمده باشد لازم الاجرا می باشد پس زمانیکه در این خصوص چندین و چند آیه آنهم بدستور یهوه و با اجرای موسی آمده است پس سنگسار یکی از اصول اساسی و اجتناب ناپذیر یهودیت گردید.

۲- سنگسار در مسیحیت :

گفته میشود که عیسی مسیح پیامبر صلح بوده و سنگسار را منسوخ کرد و آنرا ممنوع ساخت و به همین دلیل در مسیحیت سنگسار وجود ندارد، البته ادعای دوم درست است اما عیسی سنگسار را منسوخ نکرد!

انجیل متی باب ۲۱

آیه ۳۵ : اما دهقانان غلامش را گرفته بعضی را زدند و بعضی را کشتند و بعضی را سنگسار نمودند.

توضیح : در اینجا عیسی دارد مثلی میآورد که شخصی باغ خود را به دهقانانی میسپارد و بعد که غلامش را میفرستد تا میوه ها را بیاورد او را سنگسار میکنند.

انجیل یوحنا باب ۸

آیه ۱ : اما عیسی به کوه زیتون رفت آیه ۲ و بامدادان باز به هیکل آمد و چون جمیع قوم نزد او آمدند نشسته ایشان را تعلیم میداد آیه ۳ که ناگاه کاتبان و فریسیان زنی را که در زنا گرفته شده بود پیش او آوردند و او را در میان برپا داشته آیه ۴ بدو گفتند ای استاد این زن در عین عمل زنا گرفته شده آیه ۵ و موسی در تورات بما حکم کرده است که چنین زنان سنگسار شوند اما تو چه میگوئی آیه ۶ و اینرا از روی امتحان بدو گفتند تا ادعائی بر او پیدا کنند اما عیسی سر بزیر افکنده به انگشت خود بر روی زمین مینوشت آیه ۷ و چون در سؤال کردن الحاح مینمودند راست شده بدیشان گفت هر که از شما گناه ندارد اول بر او سنگ اندازد آیه ۸ و باز سر بزیر افکنده بر زمین مینوشت آیه ۹ پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شده از مشایخ شروع کرده تا بآخر یک یک بیرون رفتند و عیسی تنها باقی ماند با آن زن که در میان ایستاده بود آیه ۱۰ پس عیسی چون راست شد و غیر از آن زن کسی را ندید بدو گفت ای زن آن مدعیان تو کجا شدند آیا هیچکس بر تو فتوی نداد آیه ۱۱ گفت هیچکس ای آقا آیه ۱۲ عیسی گفت من هم بر تو فتوی نمیدهم برو و دیگر گناه مکن

توضیح : هرچند کتبی مانند عهد عتیق و عهد جدید بیشتر افسانه ها و داستانهای مردمان آن منطقه (خاورمیانه کنونی) میباشند و باید به شکل دیگری بررسی بشوند لیکن از آنجایی که بعنوان کتاب مقدس برای گروه وسیعی از مردمان سرمشق اعمال و رفتار قرار گرفته اند، در مواردی میبایست به همان شیوه و روش خود آنها با این نکته برخورد کرد به همین دلیل یک بررسی بسیار مختصر از تناقضی که در این مورد در مسیحیت وجود دارد انجام می شود برای نشان دادن این تناقض ها به آیه های زیر توجه کنید:

آیه ۱۷ گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم بلکه تا تمام کنم

آیه ۱۸ زیرا هر آینه بشما میگویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه یا نقطه از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود

قبلاً باید توضیح داد، ترجمه پارسی با متن سوئدی و انگلیسی در یکی دو کلمه تفاوت‌هایی دارد. اینجا یک دوگانگی بصورتی کاملاً واضح خود را نشان می‌دهد: اگر مسیح میگوید حتی یک حرف از عهد عتیق قابل تغییر نیست پس میبایست حکم سنگسار را تأیید میکرد؛ اما آنرا صریحاً تأیید و یا نفی نکرد؛ در حالیکه باید دقیقاً موضع گیری میکرد تا تکلیف روشن شود. آیا اینکه هرکس گناه نکرده سنگ اول را بیندازد میتواند درباره سایر احکام اعدام نیز صادق باشد؟ یعنی اینکه میتوان به اینصورت برداشت کرد که اعدام یا کشتن اشخاص به هر صورت باید توسط کسانی صورت بگیرد که تا به حال گناهی نکرده باشند و یا اینکه فقط در مورد سنگسار چنین است؟ و یا اینکه کلاً حکم اعدام نباید صادر بشود؟ در اینصورت چرا مسیحیان انواع دیگری از اعدام را اجرا کرده و میکنند؟ چرا بعضی ها را به اتهام جادوگر (مخصوصاً زنان را) زنده زنده در آتش میسوزاندند؟ اما چرا خود مسیح سنگ نیانداخت؟ در این مورد تنها دو صورت را میتوان در نظر گرفت:

۱- مسیح با سنگسار مخالف بوده؛ در نتیجه حکمی از تورات را نفی کرده است و این مخالف آیاتی است که میگوید حتی یک حرف از عهد عتیق را نفی نمیکند. یک توضیح اینکه در موارد دیگری نیز دستورات مسیح (عهد جدید) با عهد عتیق در تقابل کامل قرار دارند که در اینجا به بررسی کامل آن پرداخته نمیشود.

۲- خود او (مسیح) نیز گناهکار بوده است و بهمین دلیل سنگ نیانداخته بود. پس چنانچه مسیح بعنوان خدا یا پسر خدا شخص پاک و بیگناهی نبوده بلکه جزو گناهکاران بوده، در نتیجه نمیتواند از مردمان انتظار پاکی و بیگناهی داشته باشد. وقتی خدا چنین باشد از بنده انتظاری نیست. همچنین تفاسیری بیشتر که میتواند بر این نکته اضافه کرد.

نتیجه دومی که از این قسمت بدست میآید این است که مسیح به این ترتیب سنگسار را تأیید کرده ولی خود نیز بدلیل گناهکار بودن سنگی نیانداخته است. حال یک نکته دیگر؛ اگر این زن دوباره همین گناه را مرتکب میشد آنگاه چه حکمی صادر میشد؟ اینها نقایص بارزی است که در مورد همین یک حکم دیده میشود. کتاب عهد عتیق در این خصوص بسیار ضعیف و قابل نقد است. در نوشته دیگری در یک مقایسه از زاویه ای دیگر

میان عهد عتیق، عهد جدید و قرآن از یک طرف و کتاب اوستا از طرفی دیگر به نکاتی جدید پرداخته و ضمن نشان دادن ضعف های هر کدام از اینها نشان داده خواهد شد که کدام یک در کدام نکات از سایرین برتر است و کدام ضعیف تر است. نتیجه این بحث تا اینجا چنین است که انجیل در خصوص سنگسار و در کل احکام اعدام و حتی پائین تر دستوری دقیق و مشخص نداده و در یک سردرگمی از لحاظ قوانین بسر میبرد در نتیجه تفاسیری که میتوان از این کتاب توسط طرفدارنش در نقاط مختلف صورت بگیرد بسیار بیشتر از یهودیت و اسلام است. به همین دلیل است که مسیحیان انواع مجازاتهای مرگ را اعمال کردند (حتی زنده زنده در آتش سوزاندن) ولی در خصوص سنگسار دچار تردید شدند و برای فرار از بحث و جدلی که در این باره میتوانست براه بیفتد از روش های دیگر استفاده کردند. در کنار مسیحیت متزلزل، یهودیت بصراحت سنگسار را تأیید کرده است. برای اینکه بحث کمی کامل تر بشود باید یک نکته دیگر را نیز اضافه کرد اینکه در عهد جدید با مسئله زنا بطور بسیار شدیدی برخورد شده و تأکید میشود چنانچه زنی را طلاق بدهند و یا کسی با زن مطلقه ازدواج کند زنا کرده است. به همین دلیل است که در میان کاتولیک ها طلاق وجود ندارد.

انجیل متی باب ۵

آیه ۲۷ شنیده اید که باولین گفته شده است زنا مکن آیه ۲۸ لیکن من بشما میگویم هر کس بزنی نظر شهوت اندازد همان دم در دل خود با او زنا کرده است آیه ۲۹ پس اگر چشم راستت ترا بلغزند قلعهش کن و از خود دور انداز زیرا ترا بهتر آنست که عضوی از اعضایت تباه گردد از آنکه تمام بدنت در جهنم افکنده شود. آیه ۳۰ و اگر دست راستت بلغزند قطعش کن و از خود دور انداز زیرا ترا مفیدتر آنست که عضوی از اعضای تو نابود شود از آنکه کل جسدت افکنده شود. آیه ۳۱ و گفته شده است هر که از زن خود مفارقت جوید طلاق نامه بدو بدهد آیه ۳۲ لیکن من بشما میگویم هر کس بغیر علت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او میباشد و هرکه زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده است.

این آیات نشان میدهد که تا چقدر عیسی و عهد جدید با زنا سرمخالفت دارند و حتی طلاق را نیز زنا میدانند. بنابراین بررسی مسئله سنگسار از بررسی مجموعه این قوانین جدا نیست. در میان یهودیان طلاق بوده ولی عیسی آن را نفی میکند و با اینکار بار دیگر عهد عتیق را نفی میکند. اما در آوردن چشم در حالیکه تنها یک نگاه کرده و آن یک نگاه برابر با زنا می باشد، یا قطع دست و... دستوراتی است که به رهبران کلیسا اجازه میدهد که چنین اعمالی را بر کسانی که چنین بکنند، اعمال کند.

کتاب اعمال رسولان باب ۵

آیه ۲۶ پس سردار سپاه با خادمان رفته ایشانرا آوردند لیکن نه بزور که از قوم ترسیدند که مبادا ایشان را سنگسار کنند.

این داستان تعدادی از رسولان است که در زندان بودند ولی توسط فرشته آزاد میشوند و زمانی که در هیکل برای مردم موعظه میکنند رئیس کهنه با همراهان می آیند ولی از ترس اینکه مردم آنها را سنگسار کنند حرکتی خشن نکردند.

باب ۷

آیه ۵۸ و از شهر بیرون کشیده سنگسارش کردند و شاهدان جامه های خود را نزد پایهای جوانی که " سَوُس " نام داشت گذاردند. آیه ۵۹ و چون استیفان را سنگسار میکردند او دعا نموده گفت ای عیسی خداوند روح مرا بپذیر آیه ۶۰ پس زانو زده به آواز بلند ندا در داد که خداوندا این گناه را بر اینها مگیر؛ این را گفت و خوابید.

باب ۱۴

آیه ۱۹ اما یهودیان از انطاکیه و ایقونیه آمده مردم را با خود متحد ساختند و پولس را سنگسار کرده از شهر بیرون کشیدند و پنداشتند که مرده است

رساله دوم پولس به قرنتیان باب ۱۱

آیه ۲۴ از یهودیان ۵ مرتبه از چهل یک کم تازیانه خوردم آیه ۲۵ سه مرتبه مرا چوب زدند یک دفعه سنگسار شدم سه کرت شکسته کشتی شدم شبانه روزی در دریا بسر بردم

توضیح : در اینجا پولس (Paulus) داستان خود را تعریف میکند

رساله به عبرانیان باب ۱۱

آیه ۳۶ : و دیگران از استهزا و تازیانه ها بلکه از بندها و زندان آزموده شدند

آیه ۳۷ : سنگسار گردیدند و با اره دوپاره گشتند؛ تجربه کرده شدند و بشمشیر مقتول گشتند؛ در پوستهای گوسفندان و بزها محتاج و مظلوم و ذلیل آواره شدند .

آیه ۲۰ زیرا که متحمل آن قدغن نتوانستند شد که اگر حیوانی نیز کوه را لمس کند سنگسار یا به نیزه زده شود

توضیح : این همان داستان کوه رفتن موسی است.

پاسخ به این پرسشها میتواند این باشد که عیسی مسیح یا به اندازه کافی آزادمرد و انسان دوست و با جسارت نبوده است و یا اینکه با پیروان خود شوخی داشته است. در مسیحیت سنگسار وجود ندارد و این برای مسلمانان باید بسیار مضحک باشد، که چگونه است که در یهودیت و اسلام سنگسار وجود دارد اما در مسیحیت وجود ندارد؟ همچنین در مسیحیت گوشت خوک خوردن آزاد است اما در اسلام و یهودیت نیست، آیا خداوند به مسیحیان زنگ تفریح داده است؟ چطور ممکن است خدا نظری در مورد حکمی داشته باشد و بعداً نظرش عوض شود و دوباره به نظر اولیه خود برگردد؟!

۳ - سنگسار در اسلام :

سنگسار کلمه ای پارسی بر گرفته از سنگ میباشد، معادل عربی آن که در قرآن آمده " رجم " می باشد. اسلام گرایان می گویند که از سنگسار در قرآن تنها ۴ بار نام برده شده است و آنها نیز داستانهای مربوط به یهودیان است. دستور سنگسار به هیچ وجه در قرآن نیست و از محمد نیز صادر نشد. یعنی نه دستور قرآن است و نه سنتی از جانب محمد چون در قرآن به طور دقیق نامی از رجم یا سنگسار برده نشده است. پس مشکل از اسلام و قرآن نیست ! اما قرآن همچون دیگر دستوراتش غیر مستقیم "دستور" به سنگسار با توجه به تورات داده است. باید این موضوع را در نظر داشت که بسیاری از قوانین اسلام مانند غسل و تعداد رکعات نماز در قرآن نیست و مسلمانان فقط با استناد به سنت پیامبر به آنها عمل می کنند .

حال بررسی مختصری از رجم در اسلام ارائه می دهیم:

سابقه سنگسار در اسلام :

یکی از مسائلی که به عنوان فتوای مشهور بین فقهای اسلام رایج است، (حد رجم) است. شیوخ مسلمان معتقدند که اگر مرد یا زن همسر دار (محسن و محصنه) زنا کردند باید آنان را به صورت سنگسار نمودن (رجم) بزنند، تا بمیرند ! یعنی آنقدر به آنان سنگ بزنند که تا کشته شوند و این از (اطلاق) کلمه رجم استفاده می شود. بررسی مختصر در احادیث:

۱ - درسیره میخوانیم که پس از آنکه پیامبر اکرم و مؤمنین به مدینه هجرت کردند، اتفاق افتاد که یک زن و مرد از یهودان مدینه مرتکب زنا شدند. یهودان به نزد پیامبر رفتند و گفتند تو که ادعا میکنی آمده ای تا احکام تورات را اجرا کنی، اکنون بیان کن که حکم تورات درباره ی زن و مرد زناکار چیست؟ پیامبر اکرم به «بیت المدراس» (مدرسه ی دینی یهودان) رفت و از خاخامها خواست که تورات را بیاورند و حکم زناکار را برایش بخوانند. ولی هر کدام از خاخامها گفت حکم تورات آنست که زن و مرد زناکار را باید وارونه بر خری سوار کنند و با روی سیاه در شهر بگردانند تا عبرت دیگران شوند. وقتی پیامبر به آنها سوگند داد که تورات را بیاورند و حکم زناکار را بخوانند، خاخام جوانی به نام عبدالله ابن صوريا تورات را آورد و خواند و گفت: حکم زناکار در تورات آنست که سنگسار شود. پیامبر اکرم گفت: من شایسته ترین کس به اجرای حکم تورات هستم که حکم خدا است؛ و دستور داد آن زن و مرد زناکار را سنگسار کردند. [سیره ابن هشام: ۲ / ۲۰۶ - ۲۰۷. تفسیر طبری: ۴ /

۲ - روایتی در کتب شیعه و سنی نقل شده است ؛ که شخصی بنام ماعز بن مالک خدمت پیامبر(ص) رسید و گفت: من زنا کرده ام. نبی مکرم اسلام صورت از او برتافتند. ماعز از طرف دیگر آمد و دوباره اقرار کرد. پیامبر دوباره صورتشان را برگرداندند و اعتنا نکردند. سپس برای بار سوم رو به پیامبر کرد و گفت: یا رسول الله من زنا کرده‌ام، عذاب دنیا آسان‌تر از عذاب آخرت است. پیامبر مکرم اسلام از مردم پرسیدند: آیا بیماری یا جنونی بر این شخص مستولی نیست؟ در جواب گفتند: نه، ماعز برای بار چهارم بر زنای خویش اقرار کرد. با تمام شدن چهار اقرار، حضرت حکم رجم او را صادر کردند. اصحاب حفره‌ای حفر کرده و شروع به سنگسار کردند. بعد از برخورد سنگ، ماعز از حفره خارج شده و فرار کرد که زبیر با استخوان شتری به او زد و او را دست بسته برای سنگسار برگردانید. قضیه را به پیامبر مکرم اسلام خبر دادند. ایشان فرمودند: بعد از فرار از حفره چرا رهائش نکردید؟ سپس فرمودند: اگر گناه خویش را پنهان میداشت و توبه میکرد، برای او بهتر بود.

مصنف ابن ابی شیبہ، (به نقل از حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام، ص ۲۸)، ج ۱۰، ص ۷۲.

شیخ طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۳۶۶ ج- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، ص ۱۸۵، ح ۵، دار الکتب الإسلامیه، تهران ۱۳۶۵، تهران

۳ - روایت شده است که پیامبر همان طور که ماعز را با اقرارش سنگسار کردند، این حکم را در مورد دو زن از قبیله های بنی غامد و جهینه نیز با اقرارشان اجرا نمودند !

حسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۴۴۱، انتشارات سیدالشهداء، قم، ۱۴۰۵ هـ ق

۴ - امیرالمؤمنین درباره زنی که زنا کرده بود و حامله شده و فرزندش را به طور پنهانی به قتل رسانده بود، به صد ضربه شلاق حکم نموده و سپس او را سنگسار کردند.

حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۶۵

۵ - «عبدالله ابن بریده از پدرش روایت کرده که من نزد پیامبر نشسته بودم؛ یک زن از قبیله ی بنی غامد آمد و گفت: یا نبی الله من زنا کرده‌ام و از تو می‌خواهم که تطهیرم کنی. پیامبر به او گفت: به خانه‌ات برگرد. روز دیگر باز آمد و نزد او به زنا اعتراف کرده گفت: یا رسول الله من زنا کرده‌ام و می‌خواهم که تطهیرم کنی. پیامبر به او گفت:

به‌خانه‌ات برگرد. چون روز دیگر شد باز هم آمد و نزد او به‌زنا اعتراف کرده گفت: یا نبی الله مرا تطهیر کن. شاید می‌خواهی همانگونه که ماعز ابن مالک را دست به‌سر کردی مرا دست به‌سر کنی. به‌خدا سوگند که من حامله‌ام. پیامبر به‌او گفت برگرد تا وقتی که بچه‌ات را بزایی. چون زایید پسر بچه را در آغوش گرفته آمد و گفت: یا نبی الله آنک زاییده‌ام. گفت: برو به‌او شیر بده تا او را از شیر برگیری. چون او را از شیر برگرفت پسر بچه را در حالی که پاره‌نانی دردست داشت به‌نزد پیامبر برد و گفت: یا نبی الله آنک او را از شیر گرفته‌ام. پس پیامبر آن پسر بچه را به‌یکی از مسلمانان سپرد و دستور داد تا گودالی برای زن کنند و او را تا سینه در گودال ایستاندند، و به‌مردم دستور داد تا او را سنگسار کردند».

منتظم ابن الجوزی: ۳ / ۳۷۴

۶ - در حدیث دیگری از روایت «بریده» چنین نوشته‌اند:

«ماعز ابن مالک به‌نزد پیامبر آمد و گفت: یا رسول الله مرا تطهیر کن. گفت: تو را چه شده است! برگرد و از الله آمرزش بطلب و به درگاهش توبه کن. او رفت و باز برگشت و گفت: یا رسول الله مرا تطهیر کن. پیامبر گفت: تو را چه شده است! برگرد و از الله آمرزش بطلب و به درگاهش توبه کن». باز رفت و باز برگشت و گفت: یا رسول الله مرا تطهیر کن. باز هم پیامبر مثل دفعه‌ی قبل به‌او گفت. چهارمین بار که آمد و همان حرف را تکرار کرد، پیامبر گفت: برای چه تو را تطهیر کنم؟ گفت: برای زنا. پیامبر پرسید: آیا دیوانگی دارد؟ به‌او پاسخ دادند که دیوانگی ندارد. پرسید: آیا خمر ننوشیده است؟ مردی برخاست و دهانش را بویید، و بوی خمر از او نَشَمید. رسول الله گفت: آیا زنا کرده‌ای؟ گفت: آری. پس فرمود او را سنگسار کردند».

[صحیح مسلم: حدیث ۱۶۹۵]

۷ - و نیز روایت شده است امیرالمؤمنین علیه السلام، سراقه را به جهت آن که زنا کرده و محصنه بود روز پنجشنبه صد تازیانه زد و روز جمعه سنگسار فرمود و گفت: تازیانه زدم او را به کتاب الله و رجم کردم او را به سنت رسول الله صلی الله علیه و آله.

صحیح البخاری، بخاری، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ج ۸، ص ۲۱

قرآن و سنگسار :

جمع آوری قرآن :

عثمان، خلیفه ی سوم، تحت نظارت جمعی از صحابه به رهبری زید بن ثابت، قرآن را به صورت یک کتاب، موسوم به "مصحف عثمان" جمع آوری نمود و نسخه‌هایی از آن که طبق گفته ابی ابن داوود ۶ جلد بود ، به مکه، دمشق، کوفه و بصره و بخش های تحت فرمان حکومت اسلامی ارسال گردید. قرآن فعلی براساس قرائت کوفی حفص از عاصم کوفی در قرن هشتم میلادی چاپ گردیده است .

کتبی مانند : تاریخ قرآن از تئودور نولدکه و تاریخ قرآن از محمود رامیار و تاریخ قرآن آیت‌الله محمدهادی معرفت نمونه هایی از تاریخ قرآن و چگونگی جمع آوری آن هستند .

در زمان خلیفه سوم «حذیفه» یکی از قاریان پیشنهاد داد قرائات قرآن یکی شوند. البته در زمان خلیفه اول (ابوبکر) قسمتی از قرآن توسط چهار قاری اصلی یعنی : زید بن ثابت، عبدالله بین زبیر، سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث به زبان قریشی و بصورت پراکنده به نگارش در آمده بود . اما در سال ۲۵ هجری به طور کامل به نگارش در آمد و دیگر "کتب قرآن سوزانده شدند یا داخل دیگ های جوشان انداخته شدند." به همین دلیل عثمان را «حراق المصاحف» نامیده اند ! همانطور که آگاهید زبان عربی تهی از هر نوع نقطه در نوشتار بود و تمام نقطه گذاری های این کتاب «به اشتباه یا درست» و ترتیب مصحف فعلی بر اساس مصحف "ابی بن کعب" گذارده شده است ! طبیعیست که مطالبی داخل این کتب بوده باشد که نابود شده اند ! اگر تفاوتی در متن قرآن نبود چه نیازی به قرآن سوزی بود !؟

مثالی میاورم «سوره اسرا آیه ۶۰»

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرَّءْيَا الَّتِي أَرَيْنَكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا

ترجمه

و (به یادآور) آنگاه که به تو گفتیم: همانا پروردگارت بر مردم احاطه دارد و آن رؤیایی را که نشانت دادیم و آن درخت نفرین شده در قرآن را، جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم. و ما مردم را بیم می‌دهیم، ولی (هشدار ما) جز طغیان و سرکشی بزرگ، چیزی بر آنان نمی‌افزاید.

در ترجمه فولادوند شجره ملعونه، درخت ملعون ترجمه شده است. در هر حال، در هیچ کجای دیگر قرآن اشاره ای به این شجره ملعونه نشده است. در حالی که در این آیه به وضوح گفته میشود که شجره ملعونه در قرآن ذکر شده است.

در قرآن کلمه سنگسار (رجم) با مفهوم سنگسار کردن انسانها دیده نمیشود و بطور مستقیم به سنگسار اشاره ای در قرآن نشده است، اما برخلاف آنچه اسلامگرایان امروزه مبنی بر تحریف شدن تورات و انجیل میگویند، قرآن خود را در واقع تصدیق کننده کتب قبلی و ادامه راه آنها میداند و همچنین به وضوح میگوید که حکم خدا در "تورات" است و در ادامه قصاص را از احکام تورات خوانده و بعد از تصدیق آن، میگوید هرکس به آنچه خدا (در تورات در مورد قصاص و اعدام حد) نازل کرده است عمل نکند، از ستمکاران است؛ بنابر این میتوان گفت قرآن نیز چون احکام تورات را، احکام خدا خوانده است، مهر تایید بر سنگسار که حکمی توراتی است نیز همانند قصاص زده است و این منطقی است اگر مسلمانی در کنار قصاص از این آیه استفاده کرده و استدلال کند که در تورات سنگسار آمده است پس باید بدان نیز عمل کرد و این حکم الهی را نیز پیاده کرد! زیرا در تورات به وضوح به سنگسار اشاره شده است.

این استدلال کاملاً منطقی و معتبر است اگر از این مبحث نتیجه گرفت که قرآن بطور غیر مستقیم و بواسطه تورات، سنگسار را تایید و القا می کند.

به آیات زیر در اثبات حقانیت تورات در قرآن و پیروی از قوانین وحشیانه اش توسط قرآن بنگرید:

سوره مائده آیات ۴۳ تا ۴۵

وَ كَيْفَ يُحْكُمُونَكَ وَ عِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۴۳) إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُخْفِظُوا مِنْ كِتَابِ

اللّٰهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوْنِ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللّٰهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (۴۴) وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللّٰهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۴۵)

(۴۳)

و چگونه تو را داور قرار می دهند با آنکه تورات که حکم خدا در آن است نزد آنهاست! آن گاه پس از آن (داوری) روی برمی تابند (با اینکه حکم تو مطابق کتابشان است) و آنها (به کتاب خود نیز) ایمان ندارند.

(۴۴) به یقین ما تورات را فرو فرستادیم که در آن هدایت و نور بود ، پیامبرانی (از زمان موسی تا زمان عیسی) که تسلیم (دین موسی) بودند بر طبق آن برای کسانی که یهودی بودند داوری می کردند ، و نیز علمای ربّانی و دانشمندان (تورات شناس) بدان جهت که از آنها حفظ کتاب خدا خواسته شده بود و بر (بقا و مصونیت) آن گواه بودند ، (به آن حکم می کردند) پس (ای علمای یهود) از مردم نترسید و از من بترسید و به وسیله (تحریف) آیات من بهای اندکی به دست نیاورید. و کسانی که بر طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند آنها را کافرند.

(۴۵) و ما در آن کتاب بر آنها مقرر داشتیم که جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان است (و قصاص می شوند) و زخم ها نیز قصاص دارند ، و کسی که به قصاص شدن تن دردهد ، برایش کفّاره (آن گناه) است ، و هر که از قصاص کردن درگذرد برایش کفّاره (گناهان او) است. و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل نموده داوری نکنند آنها را کافرند.

قرآن درباره زنی «زناکار» چنین بیان میدارد :

سوره نساء آیه ۱۵

وَاللّٰتِي يَأْتِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِّسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهِدُوْنَ عَلَيْهِنَّ اَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَاِنْ شَهِدُوا فَاُمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتّٰى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللّٰهُ لَهُنَّ سَبِيْلًا.

و از زنان شما آنان که مرتکب فحشا می شوند ، از چهار تن از خودتان بر، ضد آنها شهادت بخواهید اگر شهادت دادند زنان را در خانه محبوس دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی پیش پایشان نهد.

ترجمه یاد شده از "عبدالمحمد آیتی" است، وی اشاره ای به راهی که خدا پیش پای زناکار بگذارد نکرده است، اما بسیاری از مترجمین قرآن اشاره به حدودی که بعداً برای زنا در اسلام مشخص شد، کرده اند.

حال مفهوم این راهی که قرار است خدا پیش پایشان بگذارد چیست؟

منظور حدی است که در زمان نزول این آیه هنوز مشخص نبود و بعدها مشخص شد ؛ یعنی این آیه بعدها منسوخ شد و دیگر حکم اسلام در مورد زنانی که به فحشا دچار میشوند این نیست که در خانه حبس شوند، بلکه حدودی برای آنها مشخص شد، که این حدود را هم میتوان در قرآن و هم در احادیث یافت !

احادیثی اثبات سنگسار توسط شیعه و سنی :

ترجمه صحیح مسلم جلد دوم صفحه ۶۵ شماره ۳۲۰۰ :

عباده بن صامت گفت: وقتی بر پیامبر وحی نازل میشد وی بسیار برانگیخته میشد و رنگ از رخسار وی میپرید، روزی بر او وحی نازل شد و همین حالت به وی دست داد، بعد از وحی او گفت «این (دستور از طرف الله را) از من بگیرید، الله راهی پیش پای آنان (کسانی که دچار فحشا میشوند) قرار داده است. کسی که توسط عقد اسلامی ازدواج کرده باشد ۱۰۰ ضربه شلاق میخورد و بعد سنگسار میشود، و شخصی که ازدواج نکرده باشد ۱۰۰ ضربه شلاق میخورد و برای یک سال از شهر تبعید میشود.

مفسرین و فقهای شیعه نیز در مورد این آیه به همین نتیجه از طریق دیگری رسیده اند !!!

ترجمه تفسیر المیزان جلد ۴ صفحه ۳۷۴ :

«در تفسیر صافی از تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه السلام) روایت آورده که در ذیل آیه ((و اللاتی یاتین الفاحشۃ...)) فرمود:

این آیه نسخ شده و منظور از سبیل همان حدودی است که باید جاری شود. در تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه السلام) روایت آورده که شخصی از آنجناب از این آیه سؤال کرد حضرتش فرمود:

این آیه نسخ شده ، شخص دیگر پرسید آنروزها که نسخ نشده بود به چه صورت مورد عمل قرار می گرفت ؟ فرمود:

به این صورت که اگر زنی زنا می داد و چهار نفر علیه او شهادت می دادند او را در خانه ای حبس می کردند و با او سخن نمی گفتند و بسخنش گوش نمی دادند و با او نشست و برخاست نمی کردند، تنها آب و طعامش را برایش می بردند تا بمیرد و یا بعدها خدا راه چاره ای برایش مقرر سازد، که ساخت و آن این بود که اگر بی شوهر بوده تازیانه اش بزنند و اگر شوهردار بوده سنگسار شود.

صحیح بخاری جلد ۸ کتاب ۸۲ شماره ۸۱۷

من میترسم که بعد از گذشت زمانی زیاد، کسی بگوید «به الله، ما آیه ای در مورد سنگسار در قرآن نمی یابیم»، و به همین دلیل با ترک یک وظیفه که الله آنرا وحی کرده است به گمراهی بروند. و مجازات سنگسار باید در مورد هر انسانی که ازدواج کرده باشد (مرد و زن)، و دچار دخول غیر شرعی شود، در صورتی که اگر شاهدان لازمه شهادت دهند و یا اینکه حاملگی و یا اعتراف اتفاق بیافتد پیاده شود. سفیان ادامه داد «من این حدیث را اینگونه به یاد می آورم» عمر گفت «به راستی که پیامبر خدا مجازات سنگسار را پیاده کرد و ما نیز بعد از او این کار را انجام دادیم».

صحیح بخاری جلد ۸ کتاب ۸۲ شماره ۸۰۳

الشعبي نقل کرده است : بعد از اینکه علی زنی را در یک روز جمعه سنگسار کرد، گفت «من او را طبق سنت رسول الله سنگسار کردم».

صحیح بخاری جلد ۸ کتاب ۸۲ شماره ۸۱۳ :

ابن عباس نقل میکند:

وقتی معز بن مالک پیش پیامبر آمد (برای اعتراف کردن)، پیامبر به او گفت تو احتمالا تنها او را (زن را) فقط بوسیده ای، یا به او چشمک زده ای و یا به او نگاه کرده ای. او گفت «نه ای رسول خدا!» پیامبر با حسن تعبیر به او گفت، «آیا به او دخول کرده ای؟»، راوی اضافه کرد، بعد از آن (بعد از اعتراف کردن وی) پیامبر دستور داد که او را سنگسار کنند.

صحیح مسلم کتاب ۱۷ شماره ۴۱۹۱ :

عباده بن صامت نقل کرده است، که رسول الله میگفت «از من فراگیرید»، الله راهی را برای آنها مقرر کرده است. وقتی که مرد مجردی با زن مجردی زنا میکند باید آنها را صد ضربه شلاق بزنید و یک سال آنها را حبس کنید، و وقتی که مرد متاهلی با زنی متاهل زنا میکند آنها را باید صد ضربه شلاق زد و بعد آنها را سنگسار کرد.

صحیح مسلم کتاب ۱۷ شماره ۴۲۰۱ :

ابن عباس گزارش داد که پیامبر به معز بن مالک گفت: آیا چیزی که در مورد تو به من رسیده است صحیح است؟ او گفت: در مورد من چه به تو گفته اند؟ پیامبر گفت: گفته اند که تو با یک کنیز (برده دختر) زنا کرده

ای. او گفت آری من اینکار را کرده ام، و چهار بار به این گناه خود شهادت داد. سپس پیامبر او را محکوم کرد و او سنگسار شد

تفسیر جامع جلد ۴ صفحه ۳۶۰ سطر ۱۱ :

در کافی از جمیل روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام کسیکه با محارم خود زنا کند چگونه او را اعدام کنند؟ فرمود : با شمشیر گردنش را میزنند

در حدیث دیگر از آن حضرت روایت کرده اند که فرمود شخصی که عیال نداشت حضور مقدس امیر المومنین آوردند که با زن پدر خود زنا کرده بود امر فرمود او را بقتل برسانند و بعضی از زناکاران حد آنها اول صد تازیانه است سپس سنگسار است و ایشان مردان پیر و زنان پیر محسن و محصنه باشند که زنا کرده اند.

در فقیه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هرکه با محارم خود زنا کند با یک شمشیر او را بقتل میرسانند و اگر به آن محرم هم با این عمل راضی بوده او را نیز بقتل میرسانند.

از ابو بصیر روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام شخصی در یکروز چند مرتبه زنا کرده بر او یک حد جاری میکنند یا چند حد؟ فرمود اگر با یک زن مکرر زنا کرده یک حد بر او میزنند و چنانچه با زنان عدیده زنا کرده بتعداد آنها بر او حد جاری میکنند.

در کافی از سماعه روایت کرده است :

حضرت صادق علیه السلام فرمود هرگاه بخواهند شخصی را رجم کنند اول گودالی بکنند اگر آن زن باشد او را تا وسط گودال فرو برند و چنانچه مرد است تا جایگاه بند زیر جامه در گودال فرو میبرند سپس حاکم و بعد از او مردم با سنگهای ریز آنشخص را رجم میکنند و فرمود باید از پشت سرش سنگ بزنند و نباید از پیش رو سنگ و تازیانه بر جسد او بزنند .

در محاسن از ابن خالد روایت کرده است :

حضور حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم خبر بدهید بمن از زنا کننده که او را رجم میکنند زمانیکه از گودال فرار نماید آیا او را بر میگردانند فرمود اگر ثبوت زنا با قرار بوده و بعد از زدن چند سنگ بر او فرار کرده رها میکنند او را و چنانکه بوسیله شهود ثابت شده با ذلت و خواری او را برمیگردانند و سنگسار میکنند

ابی بصیر از حضرت صادق روایت کرده است :

روزی شخصی حضور امیر المومنین علیه السلام شرفیاب شده عرض کرد من زنا کرده ام حکم خدا را در مورد من اجرا فرموده و مرا پاک کنید، حضرت باو فرمود آیا تو دیوانه ای؟ عرض کرد خیر فرمودند چیزی از قرآن تلاوت نموده ای؟ گفت بلی فرمود از چه قبیله و طایفه میباشی تا درباره ات تحقیق شود؟ عرض کرد از مردم مدینه هستم فرمود اکنون برو تا از احوال تو پرسش نمایم امیر المومنین علیه السلام از وضع آن مرد تحقیق فرمود گفتند مردی سالم و عاقل است روز بعد همان شخص بخدمتش رسید و در خواست اجرای حد نمود و در خواست اجرای حد نمود امیر المومنین علیه السلام پرسیدند آیا تو عیال داری؟ عرض کرد بلی فرمود آیا در اختیار تو و حضور تو هست یا باو دسترسی نداری؟ عرض کرد در منزل می باشد فرمودند اکنون برو تا فکری درباره ات بنمایم سومین مرتبه هم که شرفیاب شد او را برگردانید و در مرتبه چهارم که حضور امیر المومنین علیه السلام شرفیاب شده تجدید مطلع نمود حضرت او را بازداشت فرموده و منادی از طرف آن حضرت ندا کرد که برای اجرای یکی از احکام خدا و حد جاری ساختن بطور ناشناس خارج از شهر حاضر شوید و هرکس با خود سنگهائی بیاورد صبح زود بعد امیر المومنین علیه السلام مرد زندانی را احضار و مقرر فرمودند اول نماز بگذارد سپس دستور حفر گودالی داده آن شخص را در گودال نشانیده و بمردم چنین فرمودند که بر این شخص باید حد خدا جاری نموده و سنگسارش کنید ولی کسی باید او را سنگ بزند که در پیشگاه خداوند محکوم به حد خوردن نباشد و اگر کسی خود را مستحق کیفر و حدود میدانند باید برگردد زیرا کسی که خود مستوجب و مستحق حد است نباید اقامه حدود کند و مردم برگشتند فقط امیر المومنین علیه السلام و حضرت امام حسن علیه السلام هریک سنگی برداشته و پس از آنکه چهار مرتبه تکبیر گفتند بسوی مرد رها کرده و بر اثر ضربات سنگها آن شخص هلاک شد آنگاه فرمود بدنش را از گودال خارج نموده بر او نماز گذارده و دفن کردند خدمتش عرض کردند آیا غسل بر این شخص لازم نبود فرمودند همین اجرای حد او را پاک نموده و تا روز قیامت پاکیزه است !

تفسیر شریف لاهیجی جلد ۳ صفحه ۲۵۶ سطر ۱۴ :

روزی نزد عمر بن الخطاب شش نفر را گرفته آوردند که اینها همه زنا کرده اند عمر حکم کرد که همه آنها را بر یک وجه اقامت حد کنند حضرت امیر المومنین علیه الصلوه و السلام که در آن مجلس حاضر بود بعمر گفت که حکم اینها چنین نیست که تو گفتی، پس او گفت آنچه باید، شما در باب اینجماعت بعمل بیارید؛ حضرت یکی را گردن زد و دوم را سنگسار نمود و سوم را حد زد و چهارم را نصف حد زد و پنجم را تعزیر فرمود و ششم را سرداد عمر و حضار مجلس همه تعجب نموده متحیر شدند عمر گفت: ای ابوالحسن شش کس را در قضیه واحده اقامت پنج نوع عقوبت کردی و یکی را سر دادی که هیچ یک از این حکمها مشابه بدیگری نبود؟ حضرت

فرمود چنین است چون شخصی اول ذمی بود (ذمی کسی است از اهل کتاب که در میان مسلمانان و در زینهار و امان مسلمانان زندگی میکند) که زنا با زن مسلمه کرده بود و از ذمه خود بر آمده سزای او گردن زدن بود «به تورات عمل کرد»، ثانی چون محصن بود و با وجود احسان ارتکاب زنا کرده او را رجم فرمودیم و ثالث غیر محصن بود او را حد زدیم و رابع بعد زانی بود او را نصف حد زدیم و خامس چون وطی بشبهه کرده بود او را تعزیر فرمودیم و سادس که مجنون و از عقل بهره ای نداشت سرش دادیم (رهایش کردیم) و باید که فردا نگیرند شما را.

نمونه ای از پیروی امام اول شیعیان از اعدام حد در تورات

شیعه :

نظر فقه شیعه در مورد فحشا اندکی متفاوت است . فحشا در فقه شیعی علاوه بر لواط میتواند بر بسیاری از رفتارهای دیگر جنسی اطلاق کرد. بچه بازی، چه با مرد و چه با زن، همجنسبازی زنان (مساحقه)، تماس جنسی با حیوانات از این جمله هستند.

فقه شیعه همچنین مصلح را بعنوان بزرگسال، آزاد، مسلمان و کسی که دارای شرایط برقراری تماس جنسی مشروع است (مثلا همسر او در زندان نیست و یا در مسافرت به سر نمیبرد) تعریف میکند. نوع مجازات در فقه شیعی همانند فقه سنی است، اما در فقه شیعه ممکن است زناکار غیر محصن را نیز در صورتی که شرایط خاصی وجود داشته باشد مثلا تماس جنسی بین بستگان نزدیک، و یا تجاوز، و یا دخول بین یک مرد نامسلمان و زن مسلمان سنگسار کنند. لواط در فقه شیعی در صورت دخول باید با مرگ مجازات شود اما حدی وجود ندارد و قاضی باید در این مورد خطاکار را تعزیر کند.

با توجه به احادیث گفته شده مشخص است که در اسلام سنگسار فقط در خصوص زنا کاران و همجسگرایان اجرا می شود .

نظر مسلمین شیعه در ایران درباره سنگسار

پرسمان دانشجویی که کلیه حقوق آن متعلق به اداره مشاوره نهاد معظم رهبری در دانشگاه ها می باشد، در این باره می گوید :

آیا آیه سنگسار در قرآن است و اگر نیست مستندات آن چیست؟

در پاسخ این سوال توجه به چند نکته ضروری است:

الف) سابقه سنگسار

یکی از مسائلی که به عنوان فتوای مشهور بین فقهای اسلام رایج است، «حد رجم» است. در نزد فقها اصطلاحاً رجم به آن می گویند که اگر مرد یا زن همسر دار (محسن و محصنه) زنا کردند باید آنان را به صورت سنگسار نمودن (رجم) بکشند. یعنی آنقدر به آنان سنگ بزنند که تا کشته شوند و این از اطلاق کلمه رجم استفاده می شود. در روایات آمده است که پیامبر اسلام که دو نفر یهودی و نیز شخصی به نام ماعز و زنی به غامدیه (از قبیله بنی غامد) را سنگسار نمود تا مردند.

در اینکه روش رجم یعنی سنگسار کردن زناکاران یکی از قواعد اهل کتاب بوده نیز تردیدی نیست. لذا در کتاب قاموس کتاب مقدس ذیل لغت سنگسار کردن چنین آمده است:

سنگسار کردن معروف است به طوری که در ایام قدیم برای تنبیه مقصرین معمول بود که اگر بالفرض اسم برده نمی شد هرکس می دانست حکم قتل درباره فلان باید سنگسار کردن باشد؛ چنانکه مذکور است. و... و کسی که با زن غیری زنا کند، یعنی با زن همسایه خود زنا نماید، البته زانی و زانیه کشته شوند. سفرلاویان فصل ۲۰، شماره ۱۰).

گفته اند که در مورد رجم آیه ای در قرآن مجید نیامده است. در این باره گفتنی است که نه تنها این حکم بلکه بسیاری از احکام مسلم شرعی که حتی از ضروریات دین است در قرآن نیامده. از باب نمونه مسائل راجع به غسل و تعداد رکعات نماز. البته ضرورتی هم ایجاب نمی کند که تک تک احکام شرعی به صورت مبسوط در قرآن ذکر شود. قرآن کریم در آیات متعددی ما را به سوی پیامبر و اهل بیت او (ع) رهنمون شده و اطاعت از آنان را بر ما واجب نموده و یا اطاعت از پیامبر را اطاعت از خداوند دانسته است. از جمله آیه: «اطیعوا الله و

اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم»، (نساء / ۵۹) و آیه «من يطع الرسول فقد اطاع الله»، (نساء / ۸۰). به همین جهت سنت که گفتار پیامبر و اهل بیت معصومین پیامبر است یکی از منابع استخراج احکام شرعی علاوه بر قرآن به شمار می‌رود و بسیاری از احکام شرعی از روایات پیامبر و اهل بیت(ع) استفاده می‌شود. حکم رجم زناکاری که دارای همسر باشد با تحقق شرایط آن یکی از مسائلی است که با روایات متعدد از پیامبر و ائمه معصومین(ع) ثابت شده است. و محل اتفاق جمیع فقها است بلکه به حد ضرورت و بداهت بین مسلمانان رسیده و جای تأمل و تردید در این حکم وجود ندارد. و در صدر اسلام به دستور پیامبر(ص) انجام گرفته است. (برای آگاهی بیشتر ر.ک: جواهر الکلام، محمدحسن نجفی، نشر اسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۶۳ ش، ج ۴۱، ص ۳۱۸ - ۳۲۱).

دلایل و تقابل مسلمین شیعه در مقابل مدافعان حقوق بشر

یکی از بحث های مهم و چالش برانگیزی که امروزه از سوی برخی اندیشمندان و به ویژه سازمان های به اصطلاح مدافع حقوق بشر در باب کیفرهای اسلامی مطرح می شود مسأله جایگزین شدن مجازات و کیفیت اجرای حدود الهی است. می گویند: «مجازات از قبیل سنگسار کردن، قطع دست و ... مخالف با حقوق بشر و عاطفه ای انسانی نبوده و باید با زندان، جریمه مالی و ... تبدیل شود.»

این دیدگاه بیشتر متأثر از نظریه امانیستی بوده و این که انسان را مدار و محور همه چیز دانسته، حقوق و اخلاق را بر مبنای مختار بودن کامل انسان معنی کرده اند، و معتقدند انسان حقیقی جز آن چه می خواهد نیست و هیچ چیزی نمی تواند آزادی او را محدود سازد.

اما بر اساس اصل خدا محوری و جهان بینی الهی که انسان از خودش چیزی ندارد و مالک حقیقی خداوند است و همو برای تدبیر نظام خلقت و تکامل بشر و ساماندهی نظام فردی و اجتماعی آنان، قوانین و مقرراتی نازل کرده است که از جمله آنها قوانین کیفری می باشد. قوانین کیفری به طور کلی بر ۲ قسم است:

۱- حدود:

جمع حد است و حد در لغت عرب به معنای منع است و در اصطلاح فقه اسلام به معنای کیفر و عقوبتی است که از جانب شرع تعیین شده و بدون زیادت و کمی جاری می گردد و حاکم اسلامی حق دخل و تصرف در آن ندارد، مانند قطع دست دزد و سنگسار کردن زانی محصن و ... ، همان گونه که حدود الهی کفالت و شفاعت پذیر نیست نمی توان آن را مورد معامله قرار داد و به زندان، فدیة و یا جریمه مالی عوض کرد.

۲- تعزیرات:

جمع تعزیر است و به معنای نصرت و یاری است، و در اصطلاح فقه سیاسی اسلام، تعزیرات کیفری است که تعیین آن در اختیار قاضی و حاکم اسلامی است حاکم اسلامی می تواند با توجه به اوضاع و احوال و شخصیت مجرم و بزهکار، مجازاتی برای تأدیب او صادر نماید، و چنین عقوبتی را تعزیر نامیده اند، چون سبب یاری و کمک اجتماع از آلودگی به رذایل اخلاقی است و نیز وسیله ای تأدیب مجرم و تربیت اوست. و مسلماً اجرای

حدود الهی دارای برکات و آثار ارزنده ای است که در تربیت و پرورش انسان ها و جامعه ای بشری نقشی مؤثر دارد، امام باقر(ع) فرمودند: «حد یقام فی الارض از کی فیها من مطر اربعین لیله و آیامها؛ اقامه یک حد، در روی زمین از باران چهل شبانه روز با برکت تر است.»

بنابراین اصل اولی در مورد اجرای حدود الهی عدم تبدیل است، اما در خصوص «رجم» در شرایطی خاص که اجرای آن موجب وهن اسلام و مسلمین باشد یا چهره خشنی از اسلام یا نظام اسلامی نشان دهد برخی از فقها تبدیل یعنی اعدام را به نحو دیگری اجازه داده اند، مثلاً در سؤالی که از آیت الله مکارم شیرازی شده است: «آیا در عصر ما که اجرای حد رجم در پاره ای از موارد که معذورات داخلی یا خارجی دارد، می توان به عنوان ثانوی آن را به نوع دیگری از اعدام تبدیل کرد؟ ...»

جواب: «در فرض مسأله تبدیل رجم به نوع دیگری از اعدام مانعی ندارد.»

و نیز در جای دیگر می فرماید: «حد زناى محصنه سنگسار است، ولی در شرایطی که محذورات مهمی بر این امر مترتب باشد، می توان اعدام را به نحو دیگری انجام داد و شبیه حکم فرار از حصر، در صورت اقرار در اینجا نیز جاری است.»

اما عده ای دیگر از فقها شیوه و ابزار یاد شده در اعدام را ضروری دانسته و موضوعیت برای آن قائل است و لذا فرموده اند: «حکم رجم را نمی شود به انواع دیگری تبدیل نمود.»

به نظر می رسد، نظر این حضرات روی عنوان اولی است اما بر اساس عنوان ثانوی و در شرایطی که «رجم» محذوراتی داشته و موجب تبلیغات زهرآگین علیه اسلام و مسلمین گردد بعید نیست قایل به تبدیل رجم به نحوی دیگری از اعدام شویم. چنان چه در لایحه جدید قانون مجازات در تبصره این امر پیش بینی شده است بر مبنای این تبصره هرگاه اجرای حد رجم مفسده داشته و باعث وهن نظام شود با پیشنهاد دادستان مجری حکم و تأیید رییس قوه قضاییه، رجم تبدیل به قتل یا شلاق (برحسب مورد) می شود.

این گزارش های تاریخی و روایی نشانگر این است که اولاً این حد الهی در واقع به ندرت اتفاق می افتاد و ثانیاً اکثر مواردی که این حد خصوصاً در زمان ائمه (ع) اجرا شده با اقرار خود افراد زناکار نزد ایشان اثبات شده است، در حالیکه حتی این بزرگواران سعی در عدم اثبات این جرم داشته و افراد را از ۴ مرتبه اقرار منصرف می کردند و یا خود را به تغافل می زدند، مگر خود فرد به علت عذاب وجدان و تطهیرش ۴ مرتبه اقرار می نمود که دیگر در آن زمان وظیفه شرعی حاکم شرع، اجرای حد بود. بنابراین در سیره معصومین(ع) عدم اثبات این جرائم

منافی عفت اولویت داشته، اما پس از اثبات جرم، به علت مصلحت و حفظ جامعه از رواج فساد و علنی شدن این نوع جرائم، طبق دستور پروردگار بدون هیچ رأفتی حکم حد اجرا شده است.

قوانین دادگاه و قاضی در برابر زانب «زنا کننده» :

بر طبق سنت اسلامی قاضی باید در موضع انکار قرار گیرد، یعنی به شخص تلقین کند که تو اینکار را نکرده ای ولی شخص اگر قبول کند که کرده است و اصرار ورزد در آن صورت است که قاضی باید وی را محکوم کند. احادیث بسیاری وجود دارند که این معنی از آنها استنباط میشود که در بالاتر ذکر شد !

ولیکن در کل این شیوه نه از زشتی مجازات سنگسار کم می کند و نه امتیازی است برای اسلام، زیرا لازمه عدالت قاضی اساساً در بیطرفی او است. لذا اسلامگرایانی که با بهانه کردن این ویژگی سعی در توجیه این عمل زشت دارند، در واقع باید توجه داشته باشند که روش قضاوت اسلامی در این مورد نیست که مورد اعتراض است بلکه خود حکم اسلامی پیرامون زنا است که مورد اعتراض است. رفتار قاضی چیزی را در این میان تغییر نمیدهد. قاضی باید مرد لواطکار را یا به اعدام یا به شمشیر (سربردن)، سنگسار، پرتاب کردن شخص از دیوار بلند و یا سوزاندن مجازات کند و در این میان اختیار با قاضی است. در صورتیکه دخول انجام نشده باشد و در مورد همجنسبازی زنان (مساحقه) مجازات حد یکصد ضربه شلاق است.

قوانین سنگسار :

در قرآن پیرامون زنا آیاتی آمده است که در یکی از آنها حد زنا مشخص میشود، بسیاری از اسلامگرایانی که دچار این سفسطه می شوند، این آیه را مورد خطاب قرار داده و با استناد به آن ادعا میکنند نه تنها سنگسار اسلامی نیست بلکه ضد اسلام و در تضاد با قرآن است. آیه ای که این دسته به آن اشاره میکنند دومین آیه سوره نور است :

سوره نور آیه ۲ :

الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ.

زنان و مردان زناکار را هر یک صد ضربه بزنید و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید ، مباد که در حکم خدا نسبت به آن دو دستخوش ترحم گردید و باید که به هنگام شکنجه کردنشان گروهی از مؤمنان حاضر باشند.

این آیه طبق نظر تقریباً تمامی مفسرین قرآن از فرقه های مختلف اسلامی با حکم سنگسار که در احادیث آمده است تضادی ندارد، همانطور که توضیح داده شد در فقه اسلامی زنا به دو گروه تقسیم میشود زنای محصنه و زنای غیر محصنه، این آیه در مورد زنان و مردان آزادی است که آزاد باشند و همچنین مجرد باشند. بنابر این بین این آیه و احادیث مربوط به سنگسار از لحاظ منطقی وحدت مفعولی وجود ندارد، یعنی این دو راجع به یک چیز صحبت نمیکنند و نتیجه آنکه در تضاد با یکدیگر نیستند.

اما سوره نساء آیه ۱۵ بطور مشخص چون از «زنانتان، نساءکم» صحبت میکند در واقع اشاره به زنای محصنه دارد.

از عوامل نشان دهنده خشونت اسلام : همانطور که در قرآن تاکید شده است نباید در هنگام تازیانه زدن «و اعدام حد» هیچ نوع ترحمی را نشان داد ؛ در احادیث نیز به مسلمانان هشدار داده شده است که به هیچ عنوان نباید در حدود الهی تخفیف دهند و از روی ترحم از آنها بکاهند و در ضرب حد مسامحه نکنند و از تعطیل حدود الهی بترسند.

مثلا به روایت زیر توجه کنید :

تفسیر گازر در مورد «شیوه شلاق زدن» میگوید : تفسیر گازر جلد ۶ صفحه ۲۷۱ سطر ۴ خالد گفت :عبدالله عمر را کنیزی بود زنا کرد اورا بدست من داد و گفت: این را حد زن برپشت و پایها و اندامهای دیگر ضربی خفیف، اورا گفتم فاین انت، عن قوله تعالى: و لا تاخذکم بهما رافه فی دین الله؟ گفت بهرحال اورا نشاید کشتن، او را خدای تعالی جلد (شلاق زدن) فرمود قتل نفرمود. سعید بن المسیب گفت: مراد آنست که ضربی زنی موجب و مولم (دردناک) و حد چنان باید زدن که در آن حال دیده باشند، اگر برهنه یافته باشند حد برهنه زنند، و اگر با جامه یافته باشند با جامه زنند، و مرد را بر پای دارند و در حد زدن و زن را بنشانند و بر همه اعضا زنند الا بر روی فرج (واژن) و اگر شما بخدای ایمان آورده اید و بروز بازپسین یعنی قیامت، نباید که شما را در راندن حد بر ایشان رقتی و رحمتی باشد که بسبب آن ترک حد کنید یا کم از حد بزنید.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۵۹ : روز قیامت بعضی از زمامداران را که یک تازیانه از حد الهی کم کرده اند در صحنه محشر می آورند و به او گفته میشود چرا چنین کردی؟ میگوید: برای رحمت به بندگان تو پروردگار به او میگوید: آیا تو نسبت به آنها از من مهربانتر بودی؟ و دستور داده میشود او را به آتش بیفکنند دیگری را می آورند که یک تازیانه بر حد الهی افزوده، به او گفته میشود: چرا چنین کردی؟ در پاسخ میگوید: تا بندگان از معصیت تو خود داری کنند خداوند می فرماید: تو از من آگاه تر و حکیم تر بودی؟ سپس دستور داده میشود او را نیز به آتش بیاندازند

چرا در قرآن به سنگسار اشاره ای نشده است ؟!

پاسخ به این پرسش نیاز به جستجوی بیشتر در احادیث و تاریخ اسلام دارد، برخی از احادیثی که در کتب اهل تسنن یافت میشوند از این حکایت میکنند که آیات رجم در قرآن وجود داشت اما بعد از افتادن اتفاقات عجیب و غریبی این آیات از قرآن حذف شده اند. از جمله میتوان به حدیث زیر اشاره کرد :

سنن ابن ماجه جلد دوم صفحه ۳۹ چاپ کراچی :

مسند امام احمد جلد ۶ صفحه ۲۶۹ چاپ بیروت :

از عایشه نقل شده است که:

وقتی آیات مربوط به رجم (سنگسار) و «رضه کبیر» نازل شده بودند، آنها را بر روی کاغذی نوشته بودند و زیر بالین من قرار داشت. بعد از وفات پیغمبر، درحالی که ما مشغول به سوگواری برای پیغمبر بودیم یک بز آن قطعه کاغذ را خورد.

البته اسلامگرایان این حدیث را به دلیل اینکه با قرآن در تضاد است ضعیف و باطل میدانند.

ادعایی بس مضحک که توسط مسلمین قرآن تحریف نشده است. در احادیث همچنین میتوان مطالب دیگری یافت که همین مسئله را تایید میکنند. مثلاً: در حاشیه کتاب مسند امام در جلد دوم صفحه دو : عمر از من پرسید «در سوره احزاب چند آیه وجود دارد؟»

من گفتم ۷۲ یا ۷۳ آیه. او گفت این سوره تقریباً به طول سوره ماده گاو (بقره) بود که دارای ۲۸۷ آیه است، و در آن آیه رجم وجود داشت.

از احادیث دیگری که همین مطلب (حذف شدن آیه رجم از قرآن) را حکایت میکنند حدیثی است که در همین نوشتار از آن صحبت شد، این حدیث برخاسته از خطابه ای است که عمر در آخرین سفر حج خود انجام داد.

صحیح مسلم جلد نخست صیفه ۶۵ و در صحیح بخاری جلد دوم صفحه ۱۰۰۹

از عبدالله بن عباس نقل شده است که عمر در خطابه ای در حالی که روی منبر رسول الله نشسته بود گفت: براستی که الله تعالی محمد را با حقیقت فرستاد قرآن را نیز با او نازل کرد. آیه مربوط به سنگسار زناکار در میان آیات وحی شده بود و ما آنرا خواندیم و فهمیدیم و حفظ کردیم. پیامبر سنگسار کرد و ما نیز بعد از او سنگسار کردیم. من بیمناک هستم که بعد از گذشت زمان شخصی بگوید ما سنگسار را در کتاب خدا نمی یابیم و با کنار گذاشتن یکی از فریضه های نازل شده توسط خدا به گمراهی بروند. همانا سنگسار کردن زناکار در صورتی که شاهدانی یافت شوند یا زناکار اعتراف کند یا آثار حاملگی در او یافت شود در قرآن یافت میشود و حق است نتیجه آنکه :

در پاسخ به پرسشی که مطرح شده است میتوان گفت احتمالاً آیات مربوط به سنگسار در قرآن وجود داشته است و بعداً از آن حذف شده است. ممکن بودن و یا غیر ممکن بودن یافتن زناکار و مجازات او :طبق آیه ۱۵ نسا مرد میتواند چهار بار شاهد خود شده و زنش را سنگسار کند ! برخی از افراد با اشاره به آیه زیر در قرآن ادعا میکنند، برای اینکه شخصی را به زنا محکوم کنند باید حداقل چهار شاهد برای او پیدا کنند و لذا تقریباً غیر ممکن است که کسی را بتوان محکوم به سنگسار کرد.

سوره نور آیه ۴ :

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ
الْفَاسِقُونَ

کسانی را که زنان عفيف را به زنا متهم می کنند و چهار شاهد نمی آورند ،هشتاد ضربه بزنید ، و از آن پس هرگز شهادتشان را نپذیرید که مردمی فاسقند.

آیا خدا حکمی را بیان می کند که قابل اجرا نیست ؟ اگر جواب آری باشد و به علت سختی حکم شرایط آن را بسیار سخت است تا قابل اجرا نباشد ، باید گفت چه نیازی بود تا این حکم بیان شود؟ البته شما می توانید در آیه زیر مشاهده کنید که خداوند راه های بسیار ساده ای برای اثبات حرف مدعی قرار داده است .

سوره نور آیه ۶ تا ۹ :

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ
الصَّادِقِينَ وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ غَنَاهَا الْعَذَابُ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ
الْكَاذِبِينَ وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ .

و کسانی که زنان خود را به زنا متهم می کنند و شاهی جز خود ندارند ، شهادت هر یک از آنها را چهار بار شهادت است به نام خدا که از راستگویان است؛و بار پنجم بگوید که خشم خدا بر او باد اگر مرد از راستگویان باشد؛و اگر آن زن چهار بار به خدا سوگند خورد که آن مرد دروغ می گوید ، حد از او برداشته می شود؛و بار پنجم بگوید که خشم خدا بر او باد اگر مرد از راستگویان باشد.

برخی از افراد گمان میکنند وجود شرایط متعدد برای پیاده شدن یک حکم غیر انسانی و بسیار ظالمانه و وحشیانه میتواند از قباح و زشتی آن عمل و جرمی که انجام میشود بکاهد، درحالی که هرگز چنین نیست و تعداد شرایط برای انجام یک حکم ضد انسانی ، از انجام آن حکم و در نتیجه از زشتی وجود آن ، نمیکاهد . و آن حکم همچنان ضد انسانی و ضد اخلاقیست . پس می توان گفت این ادعا که شرایط سنگسار بسیار سخت و دشواری دارد، پس عملی وحشیانه نیست ، یک مغالطه است .

چرا در احادیث آمده است که برخی قسمت های قرآن حذف شده است ؟ مگر این کتاب به دست محمد و اصحاب او نوشته نشده است ؟

سنگسار در بهائیت :

در آیین بهائی مجازات سنگسار وجود ندارد، مسلمانان تندرو این آیین «بهائیت» را ساخته استعمار میدانند. در صورتی که این ادعا راست باشد براستی باید از استعمار جنایتکار سپاسگزاری کرد که در کنار این همه اختراعات و اکتشافات و توسعه علوم، دست به ساختن ادیانی میزنند که با جایگزین کردن آنها با اسلام، مسلمانان و جهانیان را از شر قوانین و مفاهیم بسیار وحشیانه و غیر انسانی اسلامی نجات دهند. البته برای بهائیان نیز باز این سوال پیش می آید که چطور نظر خدا بعد از اسلام دوباره تغییر کرده است، و سنگسار را برای بار دوم از احکام خود حذف کرده است! از آنجا که بهائیان معتقد نیستند که دینشان آخرین دین و پیامبرشان آخرین پیامبر منتخب خدا بر روی زمین است ، باید از آنها پرسید که آیا خدا در دین بعدی که ارسال خواهد کرد دوباره سنگسار را تجویز خواهد کرد؟! هر چند بهائیت مضحک ترین قوانین حتی نسبت به باور مسلمین را داراست! آیا در آینده قوانین ادیان شبیه قوانین حقوق بشر می شود؟

سیر قانون جزا از وضعیت سنگسار، در امروز و آینده ایران

ایران یکی از شش کشوری است که سنگسار را در قوانین جزائی خود گنجانده است ، در ایران این حکم به عنوان مجازات و برای افراد متأهلی که با فرد دیگری غیر از همسر خود رابطه جنسی برقرار کنند و این رابطه با شهادت چهار شاهدی که دادگاه آنان را عادل تشخیص دهد یا چهار بار اعتراف فردی که مرتکب این عمل شده، ثابت شود قابل اجراست. اجرای این حکم در ایران همواره با موضع گیری‌های تند و انتقادی از جانب مجامع بین المللی و حقوق بشر و تلاش فعالان داخلی برای حذف این مجازات از قوانین جاری روبرو بوده‌است، از جمله کمپین قانون بی سنگسار که جمعی از فعالان جنبش زنان و حقوق بشر در ایران و دیگر کشورها آغاز کرده‌اند.

سنگسار در ایران عمدتاً در مناطقی گزارش شده که نرخ آموزش و سواد در آن مناطق پایین است و متهمان بعضاً از مفهوم پرونده‌ای که در موردشان تشکیل شده بی‌اطلاع‌اند. از آغاز سال ۲۰۰۳ و در پی قول شفاهی مسئولان قوه قضاییه ایران به مقام‌های اروپایی، صدور احکام سنگسار با بخشنامه‌ای از سوی رئیس قوه قضاییه (محمود هاشمی شاهرودی) متوقف شد. اما مجدداً و در سال ۲۰۰۷ چند مورد سنگسار در مشهد و تاجیکستان گزارش شد. مسئولان قضایی ایران اجرای حکم سنگسار در تاجیکستان را حاصل اشتباه قاضی دانستند.

حکم سنگسار در قانون مجازات اسلامی ایران، به یکی از موضوعات پر سر و صدا در عرصه بین المللی تبدیل شده است. در این قانون که نشأت گرفته از فقه اسلامی است، مجازات های اعدام، رجم و شلاق برای انواع زنا مشخص شده و تنها برای زنا ی محصن و محصنه ، مجازات رجم یا سنگسار در نظر گرفته شده است.

در ماده ۸۳ قانون مجازات کنونی، حد زنا در دو مورد رجم است:

الف- زنا ی مرد محصن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هروقت نیز بخواهد می تواند با او جماع کند.

ب- زنا ی زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد.

در این ماده قانونی مشاهده می کنیم که برقراری روابط نامشروع جنسی میان مرد همسردار با زن نامحرم یا زن همسردار با مرد نامحرم، مجازات سنگسار را در پی دارد و در بقیه موارد زنا، مطابق قانون به مجازات اعدام و یا شلاق حکم شده است. مثلاً در ماده ۸۸ قانون مجازات می خوانیم : "حد زناى زن یا مردى که واجد شرایط احصان نباشند، صد تازیانه است."

شرایط سنگسار در قانون و شرع

بطور مثال همانطور که در قانون کیفری، درباره راه های اثبات زنا در دادگاه آمده است، طبق ماده ۶۸: "هرگاه مرد یا زنی چهار بار نزد حاکم اقرار به زنا کند، محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید، تعزیر می شود." و ماده ۷۴: "زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم، با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می شود." این نوع زنا باید یا با ۴ مرتبه اقرار فرد زانی در ۴ جلسه جداگانه و یا با شهادت ۴ شاهد در دادگاه، به اثبات برسد که مطابق ماده ۷۷، تمامی این شهود نیز باید خودشان صحنه ارتکاب این جرم را به شخصه مشاهده نموده باشند و با تعریف دیگران یا حدس و گمان، این شهادت مورد قبول واقع نخواهد شد. حتی شرایط سخت تری نیز برای این شهادت در نظر گرفته شده است و علاوه بر شروط خاص برای شهود، براساس ماده ۷۸، خود این شهود باید به لحاظ زمان، مکان و شرح صحنه جرم، اختلاف نداشته باشند و در صورت اختلاف شهود با یکدیگر در موارد یاد شده و عدم اثبات جرم زنا، این شاهدان به علت دادن نسبت ناروای زنا به فرد متهم، به مجازات حد قذف که ۸۰ ضربه شلاق است، محکوم خواهند شد. همچنین یکی از شروط مهم دیگر در اجرای مجازات سنگسار این است که فرد همسر دار، دارای مانعی برای برقراری ارتباط جنسی با همسرش نباشد که در صورت وجود مانع، فرد به مجازات رجم محکوم نخواهد شد.

مجازات سنگسار در قانون مجازات اسلامی جدید

در واقع در این قانون مجازات ، به ظاهر مواد قانونی زنای محصنه حذف شده و تنها دو مجازات اعدام و تازیانه برای انواع دیگر زنا، به شرح زیر بیان شده است:

در ماده ۲۲۵ این قانون می خوانیم: "حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف- زنا با محارم نسبی، که موجب اعدام زانی و زانیه است.

ب- زنا با زن پدر، که موجب اعدام زانی است.

پ- زناى مرد غیر مسلمان با زن مسلمان، که موجب اعدام زانی است.

ت- زناى به عنف یا اکراه از سوی زانی، که موجب اعدام زانی است." و ماده ۲۲۸ نیز بیان می کند: "حد زنا در مواردی که مرتکب غیر محصن باشد، ۱۰۰ ضربه شلاق است."

اما در اینجا چند سوال مطرح می شود که در راستای فهم دقیق قانون باید به آنها پاسخ گفت:

۱- اکنون که قانون سخنی درباره زنای محصن و محصنه بیان نکرده است، پس آیا این نوع زنا دیگر جرم تلقی نشده و اصلاً مجازاتی نخواهد داشت؟

۲- ۲- اگر هنوز این نوع زنا جرم محسوب می شود، پس چه مجازاتی در پی خواهد داشت؟

دقت نظر در مواد این قانون نشان می دهد که قانون جدید، در مورد مجازات سنگسار، سکوت کرده است و این سکوت به معنی حذف رجم از قانون نیست و حتی دو ماده قانونی با استفاده از لفظ رجم، به صراحت عدم حذف مجازات سنگسار را نمایان می کنند. ماده ۱۷۲ این قانون می گوید: "انکار بعد از اقرار، موجب سقوط مجازات نیست. به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا اعدام است ..." و همچنین در ماده ۱۹۸ آمده است:

"برای اثبات زنا، شهادت دو مرد و چهار زن عادل کافی است. مگر مواردی که حد زنا، اعدام یا رجم است ...". بنابراین بیان لفظ رجم در این قانون نشان از آن دارد که مجازات سنگسار از قانون ایران حذف نشده است.

اما درباره حکم زناى محصن و محصنه طبق مواد ۲۲۰ و ۲۲۱ این قانون، حکم آن به شرح ذیل است:

ماده ۲۲۰ قانون مجازات جدید می گوید: "در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است، طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی عمل می شود."

اصل ۱۶۷ قانون اساسی بیان می کند: "قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر کند."

اما در ماده ۲۲۱ ق.م. جدید درباره خود اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز آمده است: "هر گاه رجوع به اصل ۱۶۷ قانون اساسی لازم شود، مقام قضائی از رهبری استفتاء می کند. مقام رهبری می تواند این امر را به فرد یا افرادی تفویض نماید."

بر این اساس می توان گفت جرم زناى محصنه و مجازات سنگسار از قانون کیفری ایران حذف نشده و قانون مجازات، حکم زانی محصن و محصنه را طبق ماده ۲۲۱، به مقام رهبری و کسانی که از سوی ایشان تعیین شوند، واگذار نموده است. بنابراین در واقع بعد از تصویب کامل این قانون، تشخیص مجازات فرد زانی محصن یا محصنه، حذف مجازات سنگسار یا جایگزین شدن مجازات دیگری به جای آن با مراجعه به فقه و تشخیص رهبری، خواهد بود.

جمعی از مراجع عظام تقلید، به استفتایی درباره سنگسار و اینکه «آیا در شرایط کنونی می توان حکم جایگزینی برای مجازات سنگسار در نظر گرفت»، پاسخ دادند.

به گزارش ایسنا، متن سوال و پاسخ آیات عظام مکارم شیرازی، نوری همدانی، علوی گرگانی، موسوی اردبیلی، حسینی زنجان و جعفر سبحانی به این شرح است.

پاسخ آیت الله العظمی نوری همدانی

در فرض سوال، همانطور که قبلاً هم جواب داده ایم حکم الهی تغییرپذیر نیست و کیفیت اجرای آن بستگی به نظر حاکم شرع دارد.

پاسخ آیت الله العظمی مکارم شیرازی

ما قبلاً نیز گفته‌ایم که در شرایط فعلی می‌توان جایگزین کرد.

پاسخ آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی

سوال جنابعالی پیشینه دیرینه دارد و ما در کتاب حدود به طور گسترده از آن سخن گفتیم که اجمال آن این است: ۱- ثبوت زنای محصنه شرایطی دارد که غالباً امکان‌پذیر نیست، یعنی چهارنفر با چشم خود ببینند که مرد بیگانه با زن در آن موضع با هم جمع شده‌اند. ۲- راه‌هایی برای تخفیف وجود دارد؛ یکی از آن راه‌ها این است که اگر از گودال گریخت، تعقیب آن حرام است. ۳- اگر حاکم شرع احساس کرد اجرای حکم به این شیوه مشکلاتی دارد می‌تواند به نحو دیگری اجرای حد کند. والله العالم

پاسخ آیت‌الله العظمی علوی گرگانی

در صورتی که حاکم شرع تشخیص دهد که اجرای این حکم موجب وهن اسلام و بی‌احترامی به آن است و موجب ضرر به اصل دین است می‌تواند آن را تغییر دهد اما اصل حکم سنگسار در فقه اسلام ثابت است، حتی اگر به طور صریح در قرآن ذکر نشده باشد و اصل این حکم تغییر ناپذیر است.

پاسخ آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی

مجازات رجم قابل تغییر نیست ولی چنانچه اجرای آن بر خلاف مصالح اسلام و مسلمین باشد فقیه جامع شرایط می‌تواند حکم به عدم اجرای آن بدهد.

پاسخ آیت‌الله العظمی حسینی زنجان

چنانچه به نظر فقیه جامع شرایط اجرای حکمی در جامعه به دلیل عدم آمادگی فکری عموم مردم موجب سستی در اعتقاد و اصل اسلام می‌شود، در این صورت حفظ اسلام اهم است و اجرای حکم باید تا استحکام عقاید مسکوت بماند. مضافاً اینکه قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» در مورد این مساله جاری است، گرچه فقهاء مفاد قاعده را در شبهات موضوعیه گفته‌اند ولی بنا بر تسلیم و قبول این قاعده که متخذ از عین روایت است شبهه اطلاق داشته و شامل شبهه حکمیه نیز می‌شود یعنی اجرای حکم در شرایطی که عدالت اجتماعی به طور کامل اجراء نمی‌شود محل شبهه است چون اصل حاکم عدل است که ما هنوز با آن فاصله زیادی داریم. والله العالم

سنگسار در ایران

جمهوری اسلامی اولین حکم سنگسار ها را در تیر ماه سال ۱۳۵۹ انجام داد که شامل ۲ زن و سه مرد بود. روزنامه جمهوری اسلامی در ۱۴ تیر ماه ۱۳۵۹ به نقل از ستاد خبری سپاه پاسداران از اجرای سنگسار برای ۵ نفر در کرمان خبر می دهد. این جنایت به نقل از یکی از اعضای دادگاه کرمان اینگونه شرح داده شد:

" قربانیان قبل از اجرای حکم غسل داده شدند و سپس کفن سفید پوشیدند. سر آنها با کیسه پوشانیده شد. قربانیان را تا سینه در خاک کردند. سنگهایی به اندازه های مختلف برای اجرای حکم در اختیار ماموران قرار گرفت. رئیس دادگاه انقلاب اولین سنگ را خود شخصاً پرتاب کرد. مرگ تدریجی قربانیان پانزده دقیقه به طول انجامید".

در مرداد ماه یک نفر در کرمان، در تیر ماه ۲ نفر در شیراز سنگسار شدند. مجموعاً از سال ۵۹ تا سال ۶۲ که قانون مجازات های اسلامی و قانون سنگسار توسط مجلس جمهوری اسلامی به تصویب رسید تنها براساس آمارهای دولتی ۱۰ نفر سنگسار شده اند.

براساس گزارش امنستی تنها پس از یک دهه از حیات جمهوری اسلامی یعنی تا سال ۶۸ تعداد ۷۶ نفر در ایران سنگسار شده اند. و تنها ظرف ۴ ماه از ژانویه تا مه ۱۹۸۸ تعداد ۲۶ نفر سنگسار شده اند. بنا به گزارشات دولتی در سال ۶۸ تنها در یک روز ۱۵ نفر در شمال ۱۲ زن و ۳ مرد در ورزشگاه فوتبال بوشهر همزمان با هم سنگسار شدند.

حکم سنگسارهای خبر ساز :

سکینه محمدی آشتیانی در سال ۱۳۸۵ به جرم «زنا محصنه» به اعدام توسط سنگسار محکوم شد. این حکم که گمان می‌رفت در تیر ماه ۱۳۸۹ به اجرا درآید، اعتراض‌های بسیاری در داخل و خارج از ایران در بر داشته است. محمد جواد

لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه ایران ضمن دفاع از این حکم، ابراز داشت که « مجازات رجم (سنگسار) در قانون اساسی ما وجود دارد اما قضات محترم دادگاهها در شرایط بسیار محدود اقدام به صدور چنین حکمی می‌کنند».

هم‌زمان با افزایش مخالفت‌های جهانی با سنگسار

سکینه محمدی آشتیانی، روزنامه‌فیگارو در روز ۹ ژوئیه به شرحی از پرونده قضائی سکینه آشتیانی و تلاش دو فرزندش، برای نجات جان مادر از حکم سنگسار پرداخت و نوشت، فرزندان سکینه در مراجعه به زندان، برای ملاقات مادر، متوجه شدند که دو زن ۲۵ و ۱۹ ساله دیگر نیز در انتظار اجرای حکم سنگسار هستند.

دیلماروسف، رئیس‌جمهور برزیل، در واکنش به حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی، عمل سنگسار را بازگشت به بربریت دانست.

" من سنگسار را تایید نمی‌کنم. من با اعمالی درباره زنان که مربوط به سده‌های میانی باشند موافق نیستم. تردیدی در این باره نیست. من در این موضوع هیچ چشم‌پوشی نخواهم داشت. "

سایت خبری **bbc** (بی بی سی) در خصوص اعترافات خانم محمدی نوشت : این اعترافات در حالی پخش شده است که اخیراً، روزنامه گاردین، چاپ لندن، به نقل از او گزارش کرده بود که مقامات قضایی جمهوری اسلامی در صدد هستند او را به طور مخفیانه و بدون اطلاع رسانی سنگسار کنند.



در جمهوری اسلامی، پخش "اعترافات" متهمان سیاسی امری عادی بوده که بخصوص در پی حوادث بعد از انتخابات بحث برانگیز دهمین دوره ریاست جمهوری تکرار شده است.

ظاهراً این اعترافات به منظور فراهم کردن زمینه محکومیت متهمان اخذ می شود هرچند در گذشته، حقوقدانان گفته اند که چنین اعترافاتی که به وضوح تحت فشار و بدون حضور وکیل مدافع به دست می آید، فاقد ارزش حقوقی است و پخش آنها را به عنوان مدرکی در اثبات اتهام، مورد انتقاد و استهزا قرار داده اند.

پخش اعترافات متهم یک پرونده جنایی امری کم سابقه است و نشان می دهد که جمهوری اسلامی نگران پی آمدهای سیاسی صدور احکامی است که باعث انتقاد افکار عمومی در سطح بین المللی از حکومت ایران می شود.

ثریا منوچهری که در سال ۱۳۶۵ هجری شمسی (۱۹۸۶ میلادی) سنگسار شد.

ثریا منوچهری نام زنی است که در روستای کوهپایه ایران در سال ۱۳۳۰ شمسی (۱۹۵۱ میلادی) به دنیا آمد. وی در پی یک نزاع خانوادگی در سال ۱۳۶۵ هجری شمسی (۱۹۸۶ میلادی) به زنا محکوم و سنگسار شد. او هنگام سنگسار ۳۵ ساله و مادر ۷ فرزند بود.



داستان زندگی او دستمایه رمان سنگسار ثریا م. و فیلمی به همین نام است.

فریدون صاحب جمع، ژورنالیست ایرانی تبار فرانسوی داستان این زن را در رمانی به نام سنگسار ثریا م. در راستای نقض حقوق بشر و سنگسار در ایران در سال ۱۹۹۴ میلادی به زبان فرانسوی منتشر می کند. در سال ۲۰۰۸ میلادی فیلمی به همین نام «سنگسار ثریا م» به کارگردانی سیروس نورسته بر اساس رمان فریدون صاحب جمع، ساخته شد.

داستان فیلم بازگو کننده بخشی از وقایع زندگی ثریا در مرکز این ماجرا است که از زبان زهرا خاله وی به یک روزنامه‌نگار فرانسوی در گذرش از روستای اطراف کرمان بازگو شده است. خلاصه واقعه ثریا بدین صورت است که: «شوهر ثریا که یک زندان بان است قصد دارد زن دیگری بگیرد اما چون توانایی پرداخت هزینه هر دو زن را ندارد به ثریا پیشنهاد طلاق می‌دهد. ثریا وقتی حق و حقوقش را مطالبه می‌کند مرد نمی‌پذیرد و در یک تبانی با کدخدا و ملای ده ثریا را برای کلفتی به خانه یکی از مردان اهل روستا به نام هاشم می‌فرستند. هاشم مردی است که زنش را از دست داده و به همراه فرزند ناشنوایش زندگی می‌کند. این ویژگی‌ها موقعیت را برای متهم کردن ثریا به رابطه با مرد دیگر فراهم می‌کند. شوهر ثریا با همدستی کدخدا و ملای ده به ثریا اتهاماتی را نسبت می‌دهند که در نهایت به سنگسار شدن و مرگ وی منجر می‌شود.»

مقامات ایران در رابطه با واقعه سنگسار ثریا واکنش رسمی نشان ندادند و ضمن حمایت از حکم سنگسار در برخی محافل و مجالس تنها به نقد فیلم «سنگسار ثریا» پرداخته شد.

در خرداد ماه ۱۳۹۰ جلسه‌ای در قم تحت عنوان سنگسار، چپستی و چرایی؛ نقد فقهی «سنگسار ثریا» برگزار شد. در این نشست محمدرضا کدخدایی در رابطه با ساخت و اکران این فیلم در بسیاری از کشورهای جهان گفت: این فیلم از لحاظ احساسی فوق‌العاده تأثیرگذار است و نظرسنجی که در دانشگاه‌های مختلف انجام شده، بیانگر این است که بیش از ۷۰ درصد از دانشجویان این را دیده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند... بعد از اتفاقات سال ۸۸ این فیلم به صورت گسترده و با قیمت نازل در کشور توزیع شد و بسیاری از سایت‌ها آن را به صورت رایگان در اختیار کاربران قرار دادند.»

احمد عابدینی در جلسه تحت عنوان «بررسی حکم سنگسار از منظر فقهی و تاریخی» به نحو مبسوطی به توضیح رجم پرداخت و گفت تمامی روایاتی که در باب رجم مرد همسر دار یا زن شوهر دار وجود دارد باید با مطالعه سیر تاریخی و فقهی آن بررسی شود.

در تاریخ ۱۳ ژانویه ۲۰۰۹ میلادی، علیرضا جمشیدی سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، خبر اعدام دو شهروند ایرانی در شهر مشهد را با حکم سنگسار تأیید کرد. نفر سوم، که یک تبعه کشور افغانستان بوده، توانست خود را از چاله رها کرده و از مرگ نجات یابد.

مریم ایوبی - سازمان عفو بین الملل خبر سنگسار خانم مریم ایوبی را در زندان اوین در روز ۲۰ مرداد ۱۳۸۰ گزارش کرد. این گزارش اشاره به مقاله‌ای در روزنامه تهران تایمز می‌کند که در آن گزارش عفو بین الملل در مورد خانم ایوبی مورد انتقاد قرار گرفته و دخالت در امور داخلی ایران خوانده شده است.

در گزارش اتهامات دادگاه آمده است :

شامگاه ۱۳ آذر ماه سال ۱۳۷۹، در پی رابطه پنهانی با مرد مورد علاقه‌اش، وی را به خانه خود دعوت کرد و سپس با همکاری او، سید ضیاءالدین طباطبایی همسرش- را به قتل رساند. بنا بر این گزارش آنها سپس جسد را به بیابانهای ورامین انتقال دادند و با ریختن بنزین، آن را آتش زدند.

در این گزارش اشاره‌ای به مدارک ارائه شده علیه خانم ایوبی نشده ولی با استناد به ماده ۱۰۳ و تذکر عفو بین الملل در مورد اینکه خانم ایوبی در صورت نجات خود از گودال دوباره به گودال برگردانده نمی‌شود و به زندان محکوم خواهد بود، اینطور به نظر می‌آید محکومیت این خانم مستند بر شهادت شهود نبوده است.

به نوشته روزنامه نیمروز، دادگاه مرد همدست خانم ایوبی "را به اتهام قتل عمد به یک بار قصاص نفس و همچنین خانم مریم ایوبی را به خاطر رابطه نامشروع به سنگسار محکوم کرد." خانم ایوبی محکوم به سنگسار پس از ۱۵ سال زندان شده بود که پس از تعدیل حکم به سنگسار محکوم شد. وی پس از اجرای حکم غسل و کفن پوشیده، با برانکار به محوطه زندان اوین منتقل و در حضور قاضی دادگاه سنگسار شد.



در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ محبوبه محمدی و عباس حاجی زاده در شهر مشهد سنگسار شدند. محبوبه محمدی که گفته می‌شود با تهدید و شکنجه اعتراف به زنا کرده بود، در اردیبهشت ۸۵ به همراه عباس حاجی زاده در گورستان مشهد سنگسار شد.

شهرآرا، یکی از نشریات محلی خراسان، ۱۳ روز پس از اجرای حکم در صفحه حوادث خود نوشت: «سرانجام حکم الهی اجرا شد.»

«متهمان به خواسته مدعی‌العلوم به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم شدند. حکم صادرشده پس از اعتراض متهمان به شعبه ۲۸ دیوان عالی کشور ارسال شد که قضات باتجربه این حکم را پس از بررسی و توجه به زوایای پرونده تأیید کردند. صبحگاه اردیبهشت‌ماه جاری (در متن خبر تاریخ روز اجرای حکم نیامده است) حکم توسط اولیای دم برای هر دو متهم اجرا شد و آنان با حضور مسئولان اجرای احکام، به مجازات عمل خود رسیدند.»

این خبر با تأکید بر «اعدام» محکومان در حالی منتشر می‌شود که مجازات رجم در پرونده شماره ۸۳۱۴۲ شعبه ۲۸ دادگاه عمومی-حقوقی مشهد، دادنامه ۱۷۳۱۰۴۱-۱۳۸۴/۶/۳۱ به صراحت عنوان شده است.

از سوی دیگر، در جواز دفن محبوبه، به استناد گواهی فوت شماره ۴۷۱، مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۷ که سازمان بهشت رضا آن را صادر کرده است، علت نهایی منجر به فوت متوفی «قتل قانونی» اعلام شده است. در جواز دفن صادرشده از سوی سازمان پزشکی قانونی (اداره کل پزشکی قانونی استان خراسان) نیز علت فوت «خونریزی مغزی و عوارض آن در اثر اصابت جسم سخت» عنوان شده است.

پرونده ۸۳۱۴۲ شعبه ۲۸ دادگاه عمومی-حقوقی مشهد شاکی خصوصی داشت. اتهامی که محبوبه م. در آن به گذشت اولیای دم نیاز داشت، معاونت در قتل همسرش محمد بود. دو فرزند بالغ او از خون پدر گذشتند، اما مادر بزرگ پدری که سرپرستی دو فرزند خرد او را به عهده گرفته بود رضایت نداد. محبوبه برای این اتهام به ۱۵ سال زندان محکوم شد.

اما اتهام زنا محصنه، که با اقرار وی در زندان، به او تفهیم شده بود، نیاز به ۱۵ سال انتظار پیدا نکرد و ۸ ماه پس از صدور حکم (۲۸ شهریور ۱۳۸۴) در سحرگاه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ به اجرا درآمد.

جعفر کیانی، پنج‌شنبه ۱۵ تیر ۱۳۸۶ در روستای آقچه کند، تاکستان در ایران سنگسار شد و اجرای آن حکم و صدور حکم سنگسار برای مکرمه ابراهیمی با اعتراض گسترده داخلی و بین‌المللی روبرو شد. مکرمه ابراهیمی که مادر دو فرزند است، پس از یازده سال به جرم داشتن رابطه نامشروع با جعفر کیانی از زندان آزاد می‌شود.

گفته می‌شود جعفر پس از سنگسار در حالی که گوش و بینی اش کنده و له شده بود، همچنان زنده بود و وقتی پزشک قانونی زنده بودن او را تأیید می‌کند، فردی با یک بلوک سیمانی بزرگ بر سرش می‌کوبد و او را به قتل می‌رساند.

ماجرا از این قرار بود که جعفر برگه ای را به مکرمه نشان می دهد که حاکی از آن بوده است که حکم طلاق غیابی مکرمه از همسر اولش صادر شده است. مکرمه نیز به استناد همان برگه به همراه جعفر کیانی به دفتر ازدواج مراجعه می کند و محضردار هم بر همان مبنا، بین جعفر و مکرمه صیغه عقد ۹۹ ساله جاری می کند و سند رسمی عکس دار و قانونی ازدواج به آنها ارائه می دهد .



پس از این ازدواج، جعفر و مکرمه همانند سایر زوج ها زندگی خود را شروع می کنند. البته، جعفر همسر دیگری نیز داشته است و به طور همزمان با هر دو همسرش زندگی می کرده است.

پس از مدتی، جعفر و مکرمه به یک عروسی در اسلامشهر دعوت می شوند و

در آنجا یکی از اقوام شوهر قبلی مکرمه، آنها را می بیند و به پلیس خبر می دهد و بدین ترتیب مکرمه و جعفر بازداشت می شوند و به اتهام زنای محصنه تحت تعقیب قرار می گیرند.

حال آنکه جعفر و مکرمه سالها با هم زندگی کرده بودند و برای فرزند مشترکشان شناسنامه رسمی صادر شده بود و افشین ۱۴ ساله در زمان سنگسار پدرش دارای شناسنامه رسمی بود.

سرانجام با پیگیری های مکرر قاضی اجرای احکام، رای به مرحله اجرا می رسد ولی یکبار که می خواستند بدون سر و صدا حکم را اجرا کنند، رییس کل دادگستری استان قزوین مانع می شود. پس از آن و با اصرار قاضی اجرای احکام ، بار دیگر پرونده به مرحله اجرا نزدیک می شود که این بار با مطلع شدن رسانه ها و گویا به دستور آیت الله شاهرودی از اجرای حکم جلوگیری می شود ولی سرانجام خبر رسید که جعفر را سنگسار کرده اند.

قاضی اجرای احکام اصرار ویژه ای برای سنگسار این دو نفر داشته است و حتی ارتباطاتی نیز با کمیسیون عفو بخشودگی داشته است تا مبادا این دو نفر بخشوده شوند و این از عجایب است!

وکیل مدافع مکرمه ابراهیمی می گوید: « بعد از اینکه حکم سنگسار در خصوص جعفر کیانی به آن ترتیب اجرا شد، از دفتر آقای شاهرودی پرونده را خواستند و ما هم لایحه نوشتیم و روی پرونده گذاشتیم، موادی را مطرح کردیم که تقاضا کردیم مجدداً رسیدگی شود. تقاضای رسیدگی مجدد رد شد ولی پیشنهاد عفو شد و پرونده به کمیسیون عفو و بخشودگی ارسال شد و خوشبختانه در چند ماهی که پرونده در کمیسیون بود مورد بررسی قرار گرفت، یکبار هم از مکرمه توضیحاتی خواستند، در حال حاضر هم خوشبختانه رای تبدیل شد و مکرمه آزاد شد.

سنگسار کودکان

جوانترین دختری که به سنگسار محکوم شده است، دختری به نام ژایلا ایزدی ۱۳ ساله است که در سال ۲۰۰۴ که در شهر بوکان به دلیل رابطه جنسی با برادرش بختیار به سنگسار محکوم شد. در پی رابطه جنسی غیر معمول این دو خواهر و برادر ۱۳ و ۱۵ ساله، ژایلا حامله می شود و پس از زندانی شدن هر دو، ژایلا به سنگسار و بختیار به شلاق محکوم می شود. ژایلا باردار بود و فرزندش را در زندان کردستان در حالیکه انتظار اجرای حکم صادر شده را می کشید، به دنیا آورد. تلاش ها و مبارزات بین المللی باعث نجات ژیلای نوجوان از کابوس سنگسار شد.

جوانترین دختری که مورد سنگسار قرار گرفته است دختری به نام سعیده که در سال ۲۰۰۸ و در سن ۱۴ سالگی توسط پدرش در زاهدان سنگسار شد.

به نوشته این روزنامه اعتماد، به دنبال مراجعه زنی به نیروی انتظامی زاهدان و ابراز نگرانی نسبت به سرنوشت دختر ۱۴ ساله اش که توسط پدر بدبین به اجبار از خانه به مکان نامعلومی منتقل شده و دیگر به خانه بازنگشته، ماموران نیروی انتظامی، محمد شریف، پدر این دختر را بازداشت کردند. محمد شریف در جریان بازجویی ها طی اظهارات تکان دهنده، نحوه قتل سعیده را تشریح کرده و گفته است: «من از چندی پیش متوجه شدم دختر ۱۴ ساله ام رفتارهای مشکوکی دارد. ابتدا سعی کردم با آرامش با موضوع برخورد کنم و با تحقیقاتی که انجام می دهم بفهمم سعیده چرا چنین کارهایی انجام می دهد. او بی دلیل از خانه بیرون می رفت و وقتی دیر هنگام بازمی گشت توضیح قانع کننده ای نمی داد. بالاخره تاب نیاوردم و با او دعوا کردم ولی این کار نیز فایده نداشت چون فرزندم مرا متهم به بدبینی می کرد و می گفت هیچ کار خلافی انجام نداده است. پس از گذشت مدتی به تدریج به یقین رسیده که سعیده با مردی رابطه دارد و از بیم بر باد رفتن آبروی خود تصمیم گرفته است که سعیده را بکشد و خودم را از این ننگ نجات دهم.» وی در خصوص نحوه انتخاب شیوه سنگسار برای قتل دختر ۱۴ ساله اش گفته است: «باید شیوه ای را برای کشتن دخترم انتخاب می کردم که او به سزای واقعی کاری که انجام داده بود برسد و بالاخره مصمم شدم وی را سنگسار کنم.» وی همچنین گفته که چون به تنهایی قادر به انجام سنگسار دخترش نبوده به یکی از دوستانش به نام غلام نیز محل سنگسار را اطلاع داده و وی نیز به همراه چند نفر دیگر در محل قرار برای سنگسار دختر ۱۴ ساله حاضر شده و در اجرای سنگسار به پدر این دختر کمک کرده است.

محمد شریف همچنن در بازجویی گفته که دخترش را در روز تعیین شده برای سنگسار به زور از خانه خارج کرده و به ارتفاعات هلور در حوالی زاهدان برده است. این پدر متهم به سنگسار دختر ۱۴ ساله اش، تاکید کرده که سعیده «در تمام طول مسیر وحشت زده بود و با اینکه می دانست عاقبت خوشی در انتظارش نخواهد بود اما مطمئن نبود که چه مجازاتی را برای وی در نظر گرفته ام.»

به گفته محمد شریف، پس از انتقال دختر به محل مورد نظر وی دخترش را روی زمین انداخته و سنگسار او را با همکاری دوستانش شروع کرده است. وی در عین حال گفته که سعیده ۱۴ ساله در حین اجرای سنگسار خانوادگی مرتب جیغ کشیده و با خواهش و التماس تلاش می کرد جانش را نجات دهد اما پدرش تاکید کرده که برای آنچه وی «دست یافتن دو باره به آبرو» و «داشتن زندگی شرافتمندانه» نامیده «چاره ای جز کشتن او نداشته است.»

لیست قربانیان سنگسار در جمهوری اسلامی

کمیته بین المللی علیه سنگسار و اعدام لیستی از قربانیان حکم شریعه اسلامی سنگسار مربوط به سالهای ۱۹۸۰ تا جولای ۲۰۱۰ منتشر کرده است که در برگیرنده ۶۹ مورد حکم قضایی سنگسار است که ۲۱ مورد از این احکام به اجرا در آمده و ۱۵ مورد نیز، با تبرئه متهمین، اجرا نشده است. در این لیست، به اجرای نزدیک به ۱۰۹ مورد اجرای سنگسار اشاره شده است و علاوه بر سکینه محمدی آشتیانی، نام ۲۴ قربانی دیگر حکم سنگسار به چشم می خورد که اسامی شان از طریق رسانه ها منتشر شده است که تلاش ها برای توقف و لغو این احکام ادامه دارد.

کمیته علیه اعدام و سنگسار در خصوص انتشار این فهرست یادآور می شود که: «تهیه لیست کامل و واقعی قربانیان سنگسار در جمهوری اسلامی ایران به دلیل سانسور دولتی و تلاش سازمان یافته جمهوری اسلامی برای مخفی کردن خبر سنگسارها کاری بسیار دشوار و پیچیده ای است.»

این کمیته یادآور شده است که لیست قربانیان به مراتب بیشتر از این آمار است و فهرست قربانیان تهیه شده، علارغم گسترده ترین سانسورهای پلیسی چه در جریان فعالیت های این کمیته برای نجات محکومین و چه از طریق رسانه ها و نهادها و ارگان های خبری و حقوق بشری تهیه شده است. این کمیته اذعان دارد که این لیست تمام قربانیان سنگسار در جمهوری اسلامی نیست.

گزارش آماری از وضعیت سنگسارها در ایران

تعداد احکام صادره: ۶۹ مورد حکم سنگسار صادر شده است. این آمار احکامی است که اعلام شده آمار واقعی صدور احکام سنگسار به مراتب بیش از اینها می باشد.

تعداد کل سنگسارهای اجرا شده: ۹۹ تا ۱۰۹ مورد حکم سنگسار اجرا شده است. تعداد واقعی به مراتب بیش از این ارقام می باشد.

تعداد افرادی که از سنگسار نجات یافته اند: ۱۵ نفر

تعداد احکامی که از سنگسار به اعدام تبدیل شده و حکم به اجرا آمده: ۳ نفر

اسامی موجود سنگسار شدگان: ۲۱ نفر

اسامی افرادی که حکم سنگسار دارند (این اسامی شامل محکومینی است که اسامی شان در رسانه ها اعلام شده است)

۱- صبا عبدالی ۳۰ ساله

۲- زینب حیدری ۳۸ ساله

۳- شاهین سلطان مرادی

۴- چنگیز رحیمی

۵- ربابه

۶- خیریه والانیا

۷- اعظم ۲۱ ساله که به قصاص پاشیدن اسید به صورتش و از بین بردن بینایی اش محکوم شده است.

۸- شهناز ۳۵ ساله کرج

۹- گیلان محمدی اصفهان

۱۰- غلامعلی اسکندری اصفهان

۱۱- کبری بابایی

۱۲- ایران اسکندری

۱۳- معصومه

۱۴- هاجر

۱۵- نقی احمدی مازندران

۱۶- محمد علی نوید خمایی

۱۷- سریمه سجادی (عبادی) ۳۰ ساله ارومیه

۱۸- بوعلی جانفشانی ارومیه

۱۹- آذر باقری ۱۹ ساله که در ۱۵ سالگی با شکایت همسرش زندانی و در دادگاه محکوم به سنگسار شده است

۲۰- مریم قربان زاده ۲۵ ساله

۲۱- خانم هاشمی نسب مشهد

۲۲- زنی به نام مخفف م. خ. زندان مشهد

۲۳- سکینه محمدی آشتیانی

۲۴- فردوس ب

۲۵- اشرف کلهری اشرف کلهر، چهل ساله و مادر چهار فرزند که اجرای حکم سنگسارش دو سال و نیم پیش از سوی شاهرودی، متوقف شده بود، علیرغم نامه رییس قوه قضاییه مبنی بر عفو وی، با رد درخواست عفو از سوی کمیسیون عفو و بخشودگی مواجه شده است.

اسامی سنگسار شدگانی که ثبت شده اند عبارتند از:

۱- سال ۱۹۸۶ زنی به نام نصرت در قم

۲- سال ۱۹۹۲ زنی به نام بمانی فکری در رشت (بمانی محکوم به قصاص در آوردن چشم و سنگسار بود که قبل از اجرای حکم با اطلاع از حکم خود اقدام به خودکشی کرده و درگذشت)

۳- سال ۹۴ زنی به نام فاطمه بانی

۴- سال ۹۴ زنی به نام مینا کلوت

۵- سال ۱۹۹۷ زنی به نام فاطمه دانش در ساری

۶- سال ۱۹۹۷ زنی به نام معصومه عینی درساری

۷- سال ۱۹۹۷ زنی به نام مرضیه فلاح در ساری

۸- سال ۱۹۹۷ مردی به نام علی مختار پور، در ساری

۹ سال ۱۹۹۷ مردی به نام پرویز حسن زاده در ساری

۱۰- سال ۱۹۹۷ مردی به نام خیرالله جوانمرد در ساری

۱۱- سال ۱۹۹۸ مردی به نام خسرو ابراهیمی که در گودال سنگسار موفق به فرار شده و تبرئه میشود. محل اجرای حکم لاهیجان

۱۲- سال ۲۰۰۱ زنی به نام مریم ایوبی تهران

۱۳- سال ۲۰۰۲ زنی به نام جمیله امیر اسماعیلی در کرمان

۱۴- سال ۲۰۰۶ مردی به نام عباس حاجی زاده، مشهد

۱۵- سال ۲۰۰۶ زنی به نام محبوبه محمدی مشهد

۱۶- سال ۲۰۰۷ مردی به نام جعفر کیانی تاکستان قزوین

۱۷- سال ۲۰۰۸ مردی به نام هوشنگ خداده

۱۸- سال ۲۰۰۸ مردی به نام منوچهر خ

۱۹- سال ۲۰۰۸ مردی به نام محمود م. غ. (محمود که مردی افغانی تبار بود موفق میشود هنگام سنگسار از گودال سنگسار با بدنی مجروح فرار کند)

۲۰- سال ۲۰۰۸ دختری به نام سعیده ۱۴ ساله که توسط پدرش در زاهدان در تاریخ ۹ فوریه ۲۰۰۸ سنگسار شد.

۲۱- سال ۲۰۰۹ مردی به نام ولی آزاد در رشت

احکام سنگساری که به اعدام تبدیل شده و حکم به اجرا آمده است:

در سال ۲۰۰۹ سه نفر به نامهای ۱- عبدالله فریور ۲- افسانه رحمانی ۳- رحیم محمدی

افرادی که از سنگسار نجات یافته اند:

۱- سیما

۲- فاطمه (صغری مولایی)، زندان ورامین، ورامین - از اتهام زنای محصنه تبرئه شد.

۳- پریسا اکبری (همسر نجف اکبری)، زندان عادل آباد، شیراز - پس از اجرای حکم ۹۹ ضربه شلاق آزاد شد.

۴- ژیلایزدی

۵- لیلا مافی

۶- نجف اکبری (همسر پریسا اکبری)، زندان شیراز - تبرئه و آزاد شد.

۷- صغری مولایی، زندان ورامین، ورامین - از اتهام زنای محصنه تبرئه شد.

۸- کبری نجار، زندان رجایی شهر کرج - پس از سیزده سال تبرئه و آزاد شد.

۹- مکرمه ابراهیمی (همسرش جعفر کیانی سنگسار شد)، زندان چوبیندر، قزوین - عفو و آزاد شد.

۱۰- حاجیه اسماعیلوند، زندان جلفا، آذربایجان شرقی - تبرئه و آزاد شد

۱۱- شمامه (ملک) قربانی، زندان ارومیه، آذربایجان غربی - تبرئه و آزاد شد.

۱۲- زهره کبیری (خواهر آذر کبیری)، زندان رجائی شهر کرج، پس از اجرای حکم ۹۹ ضربه شلاق آزاد شد.

۱۳- آذر کبیری (خواهر زهره کبیری)، زندان رجائی شهر کرج، پس از اجرای حکم ۹۹ ضربه شلاق آزاد شد.

۱۴- اعظم خنجری

۱۵- زهرا رضایی، زندان رجایی شهر کرج، تبرئه و آزاد شد.

۱۶- لیلا قمی، زندان اوین، تهران - مجازات سنگسار به حبس تبدیل شد.

منبع: کمیته علیه اعدام و سنگسار

تحلیل مجازات سنگسار از منظر حقوق بشر

گاهی در مقام درجه‌بندی حقوق انسانی گفته می‌شود: «چه مصلحتی ارزشمندتر از جان آدمی است که به خاطر یک رفتار جنسی (حتی اگر گناه باشد)، جان دو نفر انسان گرفته می‌شود.»

در مورد مجازات سنگسار، گاهی با استناد به گزاره‌ها و آموزه‌های حقوق بشری، این حکم اسلامی مورد نقد و رد قرار می‌گیرد که در اینجا به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

در این خصوص، این ادعا مطرح است که روابط جنسی از نظر کشورهای متمدن امری حل شده است. ممنوعیت و مجازات زنا، بخصوص زمانی که با رضایت طرفین همراه باشد، بر اساس عقل بشری و حقوق جزای مدرن غرب، قابل توجیه نیست؛ زیرا برخلاف حق آزادی است. آندرو آلمن، به نقل از یکی از اندیشمندان سکولار غرب می‌نویسد: «هم‌جنس‌بازی مبتنی بر رضایت، کاملاً مشروع بوده و مجازات مرتکبان این عمل، ناروا شمرده می‌شود؛ زیرا حق هم‌جنس‌بازی، یک حق طبیعی بشر است و به همان اندازه مقدس و قابل دفاع است که حق پرستش خدای متعال در عقاید مذهبی، مقدس و قابل دفاع است.»

تفاوت در هدف

مقررات قانونی و از جمله برخی ممنوعیت‌های رفتاری، برای رسیدن به اهداف متوسط و غایی است که مکاتب مختلف حقوقی برای زندگی بشر ترسیم کرده‌اند. مقررات و ممنوعیت‌های رفتاری، باید به‌طور معقولی با اهداف متوسط و نهایی، که در حقیقت آینه ارزش‌های یک جامعه است، منطبق و همسو باشد. اگر هدف نهایی، رسیدن به سعادت و لذت دنیوی، و هدف مقررات حقوق نیز حفظ نظم و سعادت اجتماعی باشد، در این صورت روابط نامشروع جنسی توأم با رضایت طرفین، به دلیل تعارض نداشتن با نظم اجتماعی، نه تنها اشکالی ندارد که بر اساس اینکه همسو با هدف نهایی (لذت دنیوی) است، ارزشمند تلقی می‌شود.

تحلیل فمینیستی مجازات سنگسار

یکی از دستاوردهای جنبش زنان ایران از ۸ مارس آغاز به کار کمپین «قانون بی سنگسار» است؛ زیرا از تحلیل ساختارهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران روشن می‌گردد که تبعیض‌های حقوقی و عملی باعث می‌شود تا برخی زنان به شوهران خود خیانت کنند. نیز مردسالاری از راه قانون، عرف و سنت به گونه‌ای عمل می‌کند که زنان در چنبره ازدواج اجباری، زندگی اجباری بدون حق طلاق، خشونت خانوادگی شدید، به تن فروشی کشانده شدن از سوی شوهران، فقدان قدرت اقتصادی، عدم دسترسی به عدالت و دفاع مناسب گرفتار می‌آیند و در نهایت برآیند آنها باعث اجرای مجازات‌های شدید برای رفتارهای جنسی خارج از چارچوب ازدواج و به خصوص اجرای مجازات سنگسار برای زنان محصنه می‌گردد؛ اجرای این مجازات در واقع مخرج مشترک نظام‌های تبعیض مردسالاری و بنیادگرایی می‌باشد. لذا در ایران از زمان روی کار آمدن حکومت اسلامی، همواره جدالی پنهان میان نیروهای بنیادگرا و میانه‌رو (حتی محافظه‌کار مذهبی) بر سر اجرای حکم سنگسار در جریان بوده است.

در مرور دستاوردهای جنبش زنان ایران از ۸ مارس سال گذشته تا ۸ مارس امسال، نمی‌توان از کنار آغاز به کار کمپین «قانون بی سنگسار» گذشت. این کمپین سازمان دهنده تلاش‌های گروهی از فعالان جنبش زنان در ایران و فعالان جنبش فراملیتی زنان برای حذف این مجازات از قوانین ایران است. آنان در عین حال، با آگاهی از این واقعیت که پیش از این گروه‌های اپوزیسیون نظام جمهوری اسلامی و نیز سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، مسأله سنگسار در ایران را مطرح نموده‌اند، تلاش کردند گفتمانی فمینیستی و مستقل حول محور مجازات سنگسار ایجاد کنند. نشان دادن تبعیض‌های حقوقی و عملی که باعث می‌شد زنان محکوم به سنگسار به شوهران خود خیانت کنند، تن به تن‌فروشی بدهند یا حتی با همدستی مردی دیگر، شوهر خود را به قتل برسانند، کالبد شکافی آسیب‌ها و زمینه‌های بروز آنها و نیز تشریح این‌که چگونه مردسالاری از راه قانون و عرف و سنت به گونه‌ای عمل می‌کنند که زنان این‌چنین در چنبره ازدواج اجباری، زندگی اجباری بدون حق طلاق، خشونت خانگی شدید، به تن‌فروشی کشانده شدن به زور شوهر، فقدان قدرت اقتصادی و دسترسی به عدالت و دفاع متناسب و... گرفتار می‌آیند. در نهایت، به عنوان «زانیه»، به رجم محکوم می‌شوند، بخشی از تلاش‌های کمپین قانون بی سنگسار بوده است. با این همه، به نظر می‌رسد هنوز لازم است این مسأله از زوایای دیگری هم بررسی شود.

توهم حذف سنگسار در ایران

متأسفانه بر اساس شرایط و آرای صادره از طرف حاکمان نظام اسلامی در ایران، سنگسار از قانون ایران حذف شدنی نیست. در سال ۱۳۹۱ پس از فشارهای بین‌المللی حقوق بشری و فعالین در این زمینه، حذف سنگسار از قانون مجازات اسلامی در مجلس هشتم تصویب شد، ولی در قانون جدید مجازات اسلامی مجازات چنین عملی بر عهده شرع گذاشته شد. در واقع در قانون جدید مجازات اسلامی بحث رجم حذف نشد بلکه در نحوه اجرای آن تغییراتی صورت گرفت و یکی از اصلاحات شورای نگهبان نیز مربوط به این موضوع بود.

یک سال بعد، پس از کش و قوس‌های فراوان بین مجلس و شورای نگهبان، عنوان شد که: یکی از ایرادات شورای نگهبان این بود که بحث رجم باید از لحاظ فقهی در قانون باشد و تنها نحوه اجرای آن تغییر کند. در قانون جدید مجازات اسلامی رجم سالب حیات است و نحوه اجرای آن از طریق سنگ نیست بلکه به وسیله اعدام یا سایر شیوه‌هایی است که با تدبیر قوه قضائیه صورت می‌گیرد.

چندی بعد علیرغم حذف مجازات سنگسار برای زنا، محصنه توسط قوه قضائیه و جایگزین کردن آن با مجازات "سلب حیات"، این واژه دوباره از سوی شورای نگهبان به قانون مجازات اسلامی برگردانده شد.

ماده ۲۲۵: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم، با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضائیه، چنان‌چه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت، موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد». قسمت نخست این ماده جایگزین ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در خصوص مجازات زنا، توأم با شرایط احصان شده است. ماده ۸۳ قانون سابق مقرر داشته بود:

«حد زنا در موارد زیر رجم است: الف - زناى مرد محصن

ب - زناى زن محصنه با مرد بالغ ...».

در این تغییر، ظاهراً حکم را تلطیف کرده‌اند ولی در واقع این هم از راه‌های فرار از فشارهای مجامع بین‌المللی است که در واقع به زبان ساده می‌توان این قانون را به این شکل ساده نویسی کرد که حکم قاضی همان سنگسار است ولی در مواردی که ترس از سرو صدای بین‌المللی و یا اعتراضات فعالین اجتماعی و مدنی بود می‌توان حکم جایگزین را صادر کرد.

در کل عبارت عدم امکان اجرا بسیار مبهم می باشد!

بدین ترتیب قانونگذار در قانون جدید اصل را بر اجرای مجازات رجم در مورد زنای محصن و محصنه قرار داده است که قاضی صادرکننده حکم قطعی تحت شرایطی مبهم می تواند با موافقت رئیس قوه قضاییه در شکل این مجازات تغییراتی به شرح موارد فوق ایجاد نماید.

نظر برخی از مراجع معظم تقلید در خصوص این تغییر :

- آیت الله العظمی نوری همدانی : «در فرض سوال، همانطور که قبلاهم جواب داده ایم حکم الهی تغییرپذیر نیست و کیفیت اجرای آن بستگی به نظر حاکم شرع دارد.»

- آیت الله العظمی مکارم شیرازی : «ما قبلانیز گفته ایم که در شرایط فعلی می توان جایگزین کرد.»

- آیت الله العظمی جعفر سبحانی: «اگر حاکم شرع احساس کرد اجرای حکم به این شیوه مشکلاتی دارد می تواند به نحو دیگری اجرای حد کند. والله العالم.»

- آیت الله العظمی موسوی اردبیلی : «مجازات رجم قابل تغییر نیست ولی چنانچه اجرای آن برخلاف مصالح اسلام و مسلمین باشد فقیه جامع الشرایط می تواند حکم به عدم اجرای آن بدهد.»

- آیت الله العظمی علوی گرگانی : «در صورتی که حاکم شرع تشخیص دهد که اجرای این حکم موجب وهن اسلام و بی احترامی به آن است و موجب ضرر به اصل دین است می تواند آن را تغییر دهد اما اصل حکم سنگسار در فقه اسلام ثابت است، حتی اگر به طور صریح در قرآن ذکر نشده باشد و اصل این حکم تغییرناپذیر است.»

- آیت الله العظمی حسینی زنجانی: «چنانچه به نظر فقیه جامع الشرایط اجرای حکمی در جامعه به دلیل عدم آمادگی فکری عموم مردم موجب سستی در اعتقاد و اصل اسلام می شود، در این صورت حفظ اسلام اهم است و اجرای حکم باید تا استحکام عقاید مسکوت بماند. مضافا اینکه قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» درباره این مساله جاری است، گرچه فقها مفاد قاعده را در شبهات موضوعیه گفته اند ولی بنا بر تسلیم و قبول این قاعده که متخذ از عین روایت است شبهه اطلاق داشته و شامل شبهه حکمیه نیز می شود یعنی اجرای حکم در شرایطی که عدالت اجتماعی به طور کامل اجرا نمی شود محل شبهه است چون اصل حاکم عدل است که ما هنوز با آن فاصله زیادی داریم. والله العالم»

با تمام این تفاسیر در سال ۲۰۱۴ رئیس دادگستری قائمشهر، از صدور حکم یک بار اعدام و یک بار سنگسار برای یک مرد ۳۲ ساله به اتهام «زناى محصنه و تجاوز به عنف» خبر داد.

در سال ۲۰۱۵ رییس دادگستری سیاهکل در استان گیلان گفت که یک زن در این شهرستان به اتهام «زناى محصنه» به سنگسار و به اتهام «معاونت در قتل عمد» همسرش، به ۲۵ سال زندان محکوم شده است.

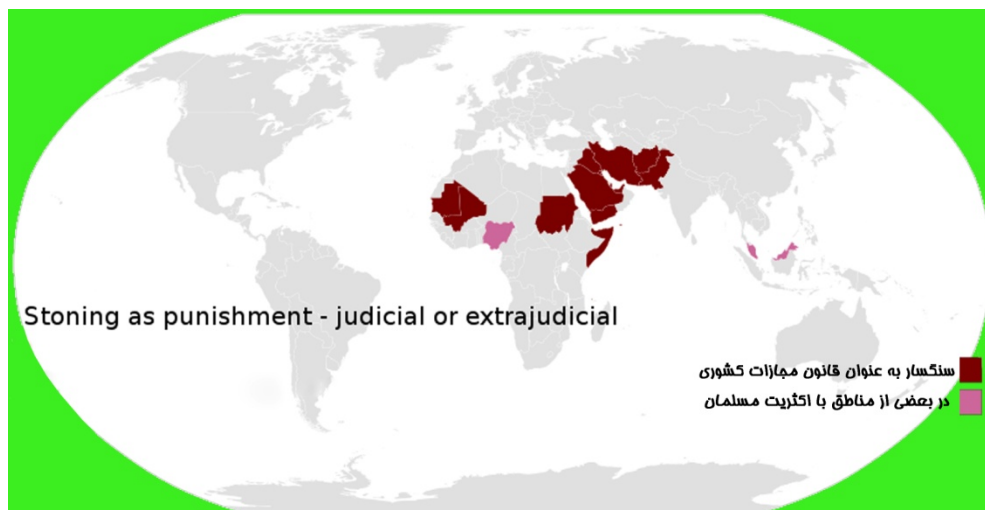
در بهمن ماه ۱۳۹۵ رسانه‌های محلی خبر از صدور حکم اعدام برای یک زن و یک مرد به اتهام زناى محصنه در منطقه گراب کوهدشت در استان لرستان دادند.

واین ماجرا همچنان ادامه دارد...

سنگسار در دیگر کشور ها

سنگسار هنوز در دنیا روی می دهد؟ مجازات سنگسار هم اکنون به عنوان یک مجازات قانونی حداقل در ۱۵ کشور جهان وجود دارد، یا یک مجازات قانونی به شمار می آید. حتی اگر در مواردی عملاً به اجرا در نیاید.

در ایران، موریتانی، نیجریه (در یک سوم ایالات این کشور)، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سومالی، سودان، امارات متحده عربی و یمن، سنگسار یک مجازات قانونی است. با این همه، از بین همه ی این کشورها فقط در



ایران، پاکستان و سومالی سنگسار واقعاً انجام می شود، البته در پاکستان تمامی موارد سنگسار، خارج از سامانه ی رسمی قضایی روی داده است.

در مقایسه، سه کشور از پنج کشور باقیمانده (افغانستان، عراق و مالی) از مجازات سنگسار در قانون ملی خود چشم پوشی نکرده اند ولی احکام و مجازات سنگسار توسط افراد غیردولتی انجام می شود. در منطقه ی آچه اندونزی و مالزی، سنگسار از لحاظ مذهبی ضمانت اجرایی دارد ولی در قوانین ملی ممنوع شده است. آمارهای جدید نشان می دهد اجرای این مجازات در سه کشور افغانستان، پاکستان و عراق روبه رشد است.

افغانستان

در قانون افغانستان چنانچه بیان شد زنای حدی در قانون نیامده است. هندوستان نیز صرف زناى جبرى را جرم انگارى کرده است. درحاليکه زنای تعزیری در قانون جزای افغانستان وجود دارد و آن در صورتی است که زنا حدی اثبات نشود.

بی‌بی‌سی به بخش‌های از پیش‌نویس قانون جزای افغانستان دست یافته که نشان می‌دهد دولت در نظر دارد، مجازات سنگسار، قطع دست و صد ضربه شلاق را بعنوان مجازات وارد قانون جزای افغانستان کند.

دربخشی از این پیش‌نویس آمده است که "زنا براساس اقرار یا شهادت شهود در مجلس قضاء ثابت می‌شود" و درباره مجازات جرم زنا در ماده ۱۵ این پیش‌نویس نوشته شده که "شخصی که مرتکب جرم زنا می‌گردد از طرف محکمه با صلاحیت به مجازات ذیل محکوم می‌گردد:"

"سنگسار کردن الی زمان مرگ در صورتی که زانی، محصن (مرد زن دار) و یا محصنه (زن شوهر دار) باشند. این ماده قابل غور بیشتر دانسته شد. زدن صد دره (تازیانه) در صورتیکه زانی، غیر محصن و با محصنه باشند."

در ماده ۳۱ این قانون آمده است که "زانی غیر محصن و زانیه غیر محصنه به صد ضربه دره، و زانی محصن و زانیه غیر محصنه از طرف محکمه ذیصلاح به رجم (سنگسار) محکوم می‌گردد." و در ماده ۳۲ آمده که "تطبیق رجم (سنگسار) در محضر عام و در محل معینه صورت می‌گیرد."

بر اساس اسنادی که به دست بی‌بی‌سی رسیده، وزارت عدلیه افغانستان در نامه شماره ۹۵۰ به تاریخ ۲۳/۹/۱۳۸۹ از ریاست جمهوری افغانستان خواسته است که از سال ۱۳۵۵ خورشیدی تاکنون قوانین متعدد در عرصه‌های اقتصادی، مالی، اجتماعی و فرهنگی وضع و نافذ شده که موجب تعدد اسناد تقنینی جزائی و پراکندگی احکام جزائی شده است. و خواستار تدوین یک قانون واحد (کد جزائی واحد) شده است.

رئیس جمهور کرزی در پاسخ این نامه، در حکم شماره ۱۴۳۹ به وزارت عدلیه افغانستان دستور داده که کار تدوین و طی مراحل کد جزائی واحد، را به همکاری نهادهای ذیربط عدلی و حقوقی کشور، متخصصین داخلی و بین‌المللی آغاز کند و طرح را یک طرح ملی خوانده است.

نگرانی سازمان عفو بین‌الملل

حوریه مصدق پژوهشگر افغانستان در سازمان عفو بین الملل به بی‌بی‌سی گفت: "کمیته تحقیق جرایم و مجازات شرعی و عرفی وزارت عدلیه/ دادگستری افغانستان، ۲۶ ماده جدید را در قانون جزای افغانستان پیشنهاد کرده که شامل حدود، قصاص، قطع دست و پا، سنگسار و ۱۰۰ ضربه شلاق (دره) است.

او افزود در این قانون درباره جرایم مانند، زنا، قذف (اتهام به زنا)، و ارتداد از دین و مذهب نیز مجازات پیشنهاد شده است که خلاف تمام تعهدات بین المللی دولت افغانستان است.

خانم مصدق در ادامه تاکید کرد که این قانون افغانستان را به دوران طالبان می‌برد و شاید یک حرکت سیاسی باشد و با توجه به سال ۲۰۱۴ دولت افغانستان کوشش می‌کند که این مواد را بگنجانند که به سیاست طالبان لبیک بگویند و یا اینکه می‌خواهد به طالبان بگوید که ما با شما تفاوتی نداریم.

او مدعی شد که دولت می‌خواست در خفا این مواد را به تصویب برساند و در پارلمان هم کسانی هستند که به جزئیات توجه نمی‌کنند و حالا که سرو صدا بلند شده می‌خواهد این موضوع را انکار کند.

خانم مصدق تاکید کرد که این خبر تکان دهنده است. دهنده و تمام تلاشهای که نهادهای حقوق بشری در طول سالهای گذشته انجام داده "ضرب صفر می‌کند" و یک عقب گرد است و افغانستان را دوباره به دوران طالبان می‌برد.

اعضاء کمیته تحقیق جرایم و مجازات شرعی و عرفی

۱. رئیس عمومی انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان

۲. نماینده دادگاه عالی افغانستان

۳. نماینده وزارت عدلیه/ دادگستری

۴. نماینده یوناما/ هیات کمک سازمان ملل

۵. نماینده دفتر مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل

۶. معاون انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان

۷. برخی اعضای شورای رهبری و وکلای مدافع متخصص درین زمینه

روح الله قاری زاده رئیس کمیته تحقیق جرایم و مجازات شرعی و عرفی و رئیس عمومی انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان درباره این پیش نویس به بی بی سی گفت که رئیس جمهور افغانستان براساس درخواست وزارت عدلیه افغانستان فرمان داده بود که برای ایجاد سهولت در حل مشکلات جزائی کشور در تدوین کد جزائی واحد اقدام نمایند.

او افزود که در این کمیته نهادهای ملی و بین المللی حضور دارند که مدت یک سال است فعالیت دارد تا مطابق کنوانسیون بین المللی، مجازاتهای شرع و سایر قوانین این قانون جزایی و تعزیری را تنظیم کند.

قاری زاده افزود: "مواردی همانند حدود، قصاص و دیات چون در قرآن و حدیث ثابت است، کسی نمی تواند در آن تغییراتی ایجاد کند و چیزی که در قرآن است براساس آن تشریح می شود و در کمیته صرف این کلمات و اصطلاحات تشریح شده و اینکه این تعاریف شامل قانون می شود و یا خیر. هنوز در این باره تصمیمی گرفته نشده است.

قاری زاده: موارد مانند حدود، قصاص و دیات چون در قرآن و حدیث ثابت است، کسی نمی تواند در آن تغییرات ایجاد کند

او گفت که در قانون موجود برای اینکه این اصلاحات برای دوستان قابل فهم شود تشریح شده و این کمیته و سایر کمیته ها که در وزارت عدلیه در این زمینه کار می کنند، صلاحیت این کار را ندارند. فقط شورای ملی و رئیس جمهور کرسی در این زمینه صلاحیت دارد که چه چیزی (در قانون) باشد یا نباشد.

ابلاغیه وزارت عدلیه / دادگستری

پس انتشار گزارش شماری از رسانه ها بر اساس متن پیش نویس قانون جزا، وزارت عدلیه / دادگستری افغانستان با انتشار ابلاغیه ای گفته است وزارت عدلیه لزومی به درج حدود شرعی در قانون جزای افغانستان نمی بیند.

در بخشی از این ابلاغیه آمده است: "اخیرا یکی از اعضای کمیته فرعی که به مطالعه و تحقیق منابع فقهی در ارتباط به جرایم موظف گردیده بود، ابراز نظر نمود تا جرایم حدود، قصاص و دیت نیز مانند تعزیرات در قانون تنظیم شود مگر وزارت عدلیه با نظر داشت پیشینه قانون جزا که در آن زمان نیز این موضوع مطرح بحث بود باین باور است که برای تطبیق مجازات جرایم حدود شرایط و قیود خاصی در شریعت پیش بینی گردیده است که با شرایط عمومی جرم و جزا مندرج قانون جزا در مغایرت بوده و تنظیم آن بدون رعایت آن همه شروط و قیود، اهداف شریعت را در تعمیم مجازات آن برآورده ساخته نمیتواند."

با این همه هنوز مشخص نیست که مجازات سنگسار، قطع عضو و صد ضربه شلاق از متن پیش‌نویس قانون جزا حذف شده یا کماکان باقی است.

طی سالهای سال اخیر دادگاههای صحرایی، سوژه‌ی ویژه در گزارش‌های رسانه‌ای از افغانستان بوده است. دادگاههایی مانند اعدام نجیبه در پروان، به دار آویختن یک زن در قندوز، اعدام یک زن در غور و نظایر آن. این گزارش‌ها همچنین حاکی از آن است که دادگاههای صحرایی در سال‌های اخیر نه تنها در مناطق تحت کنترل طالبان، بلکه در مناطق تحت کنترل دولت نیز صورت گرفته است. یکی از این موارد، اجرای حکم صد ضربه شلاق از سوی روحانیان محلی بر صبیره در ولسوالی جاغوری ولایت غزنی بود، محکمه‌ی صحرایی که فرمانده پلیس نیز در آن حضور داشت.

در سال ۲۰۱۰، یک زن و مرد در ولایت قندوز سنگسار شدند. براساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل، این اولین سنگساری بود که پس از سقوط طالبان از سوی این گروه به‌گونه رسمی در افغانستان اتفاق افتاد. فعالان افغان این گفته‌ی سازمان عفو بین‌الملل را تکذیب کرده و گفته است، تنها در سال ۲۰۰۵ دو مورد سنگسار در ولایت بدخشان صورت گرفت. با این حال، آمار دقیقی از سنگسارهای اتفاق افتاده در افغانستان ارائه نشده است؛ ولی با این وجود، گزارش‌های رسانه‌ای در سال‌های اخیر از دادگاههای صحرایی به منتشر شده است. بر اساس این گزارش‌ها، در سال ۲۰۱۵، یک زن در ولایت «سرپل» سنگسار شد. در سال ۲۰۱۰، مادر و دختری در غزنی سنگسار گردید. در سال ۲۰۱۳ پلیس افغانستان موفق شد تا زنی را که از سوی طالبان در آستانه‌ی سنگسار قرار داشت، نجات دهد.

از مهمترین سنگسارها در افغانستان می‌توان به سنگسار رخشان اشاره کرد. مردان عمامه‌دار در روستای غلمین ولایت غور به دور گودالی حلقه زدند. این مردان و به تعبیر خود شان مجریان «احکام دینی» در این گودال، دختر ۱۹ ساله‌ای را تا گردن به‌گونه‌ی زنده مدفون کردند. دختر که رخشان نام داشت، عاجزانه و به‌صورت مکرر مسلمان بودنش را تاکید می‌کرد و لحظه‌ی بعد در زیر بارش سنگ‌ها جان داد.

رخشان، ظاهراً در تلاش برای ازدواج از خانه گریخته بود. او طی یک محکمه‌ی صحرایی به اتهام‌های «زنا» و «فرار از منزل» سنگسار شد و پسر ۲۳ ساله همراهش به تعداد صد تازیانه خورد. سنگسار شدن او از سوی مقام‌های دولتی ولایت غور به طالبان نسبت داده شد. گفته می‌شود فتوای این سنگسار از سوی فردی صادر شده است که پیش از این رخشان را برای برادر خود خواستگاری کرد، اما او نپذیرفت.

پاکستان

در پی اقدامات اسلامی ضیاء الحق در سال ۱۹۷۹، اعدام در اماکن عمومی از طریق سنگسار به عنوان مجازات زنا و تجاوز به عنف وارد قانون پاکستان شد. اولین محکومیت و حکم سنگسار (فهمیده و الله بخش) در سپتامبر ۱۹۸۱ تحت فشار ملی و بین المللی لغو شد.

در قانون پاکستان نیز دوطریق برای اثبات زنا وجود دارد که اقرار و چهار شاهد است ولی در قانون پاکستان چهار بار اقرار شرط دانسته نشده است بلکه صرف از اقرار سخن به میان آمده است. از میان چهار فرقه اهل سنت و مذهب شیعه، حنفی و حنبلی با مذهب تشیع چهار بار اقرار را لازم میداند ولی شافعی و مالکی یکبار اقرار را کافی میداند. از اطلاق قانون پاکستان استفاده میشود که قانون آن برگرفته از یکی از این دو مکتب اخیر باشد.

یک زن در یکی از روستاهای پاکستان به دلیل همراه داشتن گوشی موبایل، سنگسار شد.

به گزارش عصر ایران به نقل از روزنامه کویتی الوطن، این زن که مادر دو فرزند بود به بهانه داشتن موبایل و "خروج از قوانین اسلامی"، سنگسار شده است.

اعضای قبیله این زن معتقدند که همراه داشتن گوشی موبایل برای زن، خیانت بزرگ به شمار می آید و خیانتکار هم مستحق مرگ است.

این سنگسار در روز ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۱۳ عملی شد. این زن با حکم قاضی مستقر در این روستا به سنگسار محکوم شده بود.

منابع آگاه گفته اند به خانواده این زن اجازه داده نشد در تشییع جنازه او مشارکت کند. در این منطقه از پاکستان، تفسیرهای افراطی و اشتباهی از شریعت و مقررات اسلامی وجود دارد به همین دلیل قتل بسیاری از زنان با بهانه های مختلف روبه افزایش است.

از دیگر سنگسارها در پاکستان، سنگسار فرزانه پروین درمقابل ساختمان دادگاه لاهوراست. مصطفی کارال، وکیل وی، اعلام کرد که موکل او سه ماهه حامله بوده است. پدر فرزانه، محمد عظیم، به پلیس گفت که او با ازدواج فرزانه مخالف بوده و فرزانه آبروی خانوادگی اش را برده است.

کمیسیون حقوق بشر پاکستان اعلام کرده است که در سال ۱۳۹۲ در پاکستان نزدیک به یک هزار نفر از زنان و دختران به دلیل آن چه «بی ناموسی» یا «آبروریزی خانواده» عنوان می شود، کشته شده اند. این کمیسیون «مصونیت از مجازات» قاتلان را محکوم کرده است.

قطر

بنا بر قانون اساسی قطر، شریعت اسلام، منبع اصلی قانونگذاری در قطر است. از سال ۲۰۱۴، مقررات خاصی از قانون کیفری قطر اجازه اعمال مجازات هایی مانند شلاق زدن و سنگسار را به عنوان مجازات کیفری می دهد. کمیته سازمان ملل متحد علیه شکنجه این اقدامات را نقض تعهدات وضع شده توسط کنوانسیون سازمان ملل علیه شکنجه یافت. سنگسار در قطر یک مجازات قانونی به شمار می رود، هر چند که هرگز مورد استفاده قرار نگرفته است. مجازات شلاق و سنگسار بواسطه شریعت اسلام در قطر قانونی است.

سومالی

در سومالی در سال ۲۰۱۴ یک نوجوان به دلیل تجاوز به یک زن به سنگسار محکوم شده بود.

در سال ۲۰۱۷ شبه نظامیان اسلامگرا در سومالی مردی را به اتهام زنا سنگسار کردند. سنگسار مرد ۴۴ ساله در روستای رامو عدی و در برابر دیدگان صدها نفر صورت گرفت. این روستا در منطقه ای مرکزی واقع شده که کنترل آن در اختیار شبه نظامیان وابسته به القاعده بود. این گروه ادعا کرد که به اندازه کافی قدرت دارد تا مجازات بر مبنای شریعت را در معرض عموم به اجرا گذارد.

در سال ۲۰۱۴ زنی ۳۳ ساله و مادر سه فرزند از سوی گروه اسلامگرای «الشباب» سنگسار شده است. «قاضی شرع» این دادگاه گفت که این زن به زنا اقرار کرده و آماده بوده برای پاک شدن گناهش سنگسار شود.

سنگسار این زن در ۱۸۰ کیلومتری جنوب موگادیشو صورت گرفته است. اسلامگرایان گفته‌اند این زن اقرار کرده بود که هم‌زمان با سه مرد ارتباط جنسی داشت.

شاهدان عینی گفته‌اند که این زن تا شانه در گودال رفته بود و شبه‌نظامیان نقاب‌زده الشباب و مردان غیرنظامی دیگر به سر و صورت او سنگ پرتاب کردند. نام این زن صفیه احمد اعلام شد.

نیجریه

دولت فدرال نیجریه همیشه کوشیده است در اینگونه پرونده‌ها مداخله کند و صدور احکامی مانند سنگسار را تبعیض آمیز و مغایر قانون اساسی آن کشور عنوان کرده است. در مقابل، سیاستمداران ایالات عمدتاً مسلمان نشین نیجریه گفته‌اند که از حق قانونی اجرای احکام اسلامی برخوردار هستند. براساس قوانین اسلامی که در برخی از ایالت‌های مسلمان نشین نیجریه رایج شده است، در این ایالات بارداری زن بدون شوهر به معنی ارتکاب به عمل زنا تلقی می‌شود.

نیجریه یک دولت فدرال دارد که با نگرانی تمام نظاره‌گر فاصله گرفتن بخش مسلمان نشین در شمال و بخش مسیحی نشین جنوب کشور است.

در سال ۲۰۰۳ تلاش‌های فعالین مدنب باعث شد حکم سنگسار یک دادگاه اسلامی محلی در شمال نیجریه علیه صفیه حسینی، یک قربانی تجاوز جنسی، سرانجام زیر فشار بین‌المللی و فشار دولت مرکزی در نیجریه، توسط همان دادگاه لغو شود.

سودان

صادر شده است . بر اساس ماده ۱۴۶ قانون جنایی کشور سودان حکم زنای فرد مجرد ۱۰۰ ضربه شلاق است، اما حکم زنای فرد متاهل اعدام از طریق سنگسار می باشد.

با توجه به اینکه قضات در صدور رایدر سودان اختیار تام دارند، اغلب احکام صادره در سودان متضاد هستند. سودان یکی از معدود کشورها در دنیا است که حکم سنگسار در آن صادر و اجرا می شود. در سال ۲۰۱۲ بنا به بیانیه دیده بان حقوق بشر زنی که گمان می رود زیر ۱۸ سال است در سودان به اتهام زنای محصنه به اعدام محکوم شده است. این فرد که انتصار شریف عبدالله نام دارد از زمان صدور حکم سنگسار در ۲۲ آوریل ۲۰۱۲ به همراه فرزند ۵ ماهه اش در زندان شهر "أم دُرمان" بود. انتصار شریف عبدالله که دارای سه فرزند است، دو کودک دیگر او نزد خانواده اش به سر می برند.

امارات

کشور امارات عربی متحده نیز همانند اغلب کشورهای در حاشیه جنوبی خلیج فارس در گیر یک چالش ساختاری میان رشد سریع اقتصادی و متقابلا عدم توسعه سیاسی و نقض موازین بین المللی حقوق بشر است؛ اما به نظر می رسد که در جهت هماهنگ شدن با افکار عمومی جهانی و جلب سرمایه گذاری های خارجی و نیل به شاخص های توسعه پایدار ، به آرامی نشانه های برخی اصلاحات دموکراتیک و رعایت بیشتر هنجارهای حقوق بشری در این کشور در حال ظهور است . با این حال مهم ترین انتقاداتی که در زمینه نقض حقوق بشر علیه دولت امارات تاکنون مطرح بوده عبارتند از :۱- عدم رعایت حقوق کار ران مهاجر ؛۲ - محدودیت آزادی بیان و اجتماعات ؛ ۳ - قاچاق انسان ؛ ۴ - اعدام و سایر مجازات های قضایی خشن .

صدور احکام اعدام ، سنگسار و برخی مجازات هایی که از نگاه نظام بین المللی حقوق بشر خشن تلقی می شوند از نکاتی است که دولت امارات را در معرض انتقادات مجامع و فعالان حقوق بشری قرار داده است. از جمله در یکی از این موارد در ژوئن ۲۰۰۶ دادگاهی در امارت فجیره رأی به مجازات سنگسار یک تبعه بنگلادشی به اتهام زنای محصنه با یک زن کارگر خانگی مهاجر نمود و زن مذکور هم به تحمل یکصد ضربه شلاق و یک سال

حبس محکوم شد. البته ده روز بعد در مرحله فرجام خواهی ، محکومیت سنگسار به یک سال زندان و سپس اخراج از کشور کاهش پیدا کرد.

در قانون اساسی امارات که برگرفته از مذهب مالکی هاست اگر ارتباط زنی با شوهرش کمتر از پنج سال قطع شده باشد از وی اتهام زنا برداشته می شود و کودک برای همسر شرعی زنی است که به زنا متهم شده است و اگر دوره انقطاع رابطه بین زن و شوهرش از پنج سال بیشتر باشد کودک ، ولد الزنا محسوب می شود و باید حد شرعی در خصوص زن اجرا شود.

یمن

بر اساس قانون اساسی اسلام دین رسمی کشور و مبنای همه قوانین است. قانون اساسی اجازه برگزاری مراسم آئینی را به اقلیت‌های دینی داده است اما خروج از دین اسلام ممنوع است. اکثر یمنی‌ها عرب هستند و آفریقایی-عرب‌ها، جنوب آسیایی‌ها و اروپایی‌ها هم اقلیت‌های قومی کشور را شکل می‌دهند. یمن کشوری عمدتاً قبیله‌ای است و در بخش‌های کوهستانی شمال کشور حدود ۴۰۰ قبیله زیدی وجود دارند. یهودیان یمن هم در گذشته جمعیت قابل توجهی داشتند اما بیشتر آن‌ها در قرن بیستم به اسرائیل مهاجرت کردند. حدود یکصد هزار هندی‌تبار هم در جنوب کشور زندگی می‌کنند. بر اساس قوانین این کشور سنگسار بر طبق قوانین و احکام اسلامی اجرا می شود.

عربستان

در عربستان، مجازات اسلامی اجرا می‌شود که در بر گیرنده حدود شرعی و قانون‌های تعزیراتی است برای نمونه، چهار انگشت فرد دزد بریده می‌شود. نظام حقوقی عربستان سعودی برگرفته از فقه حنبلی یکی از مذاهب اسلامی است. بر اساس احکام دین اسلام، مردان در صورت تمایل مجاز به ازدواج با حداکثر چهار زن هستند. مجازات زنا محصنه در کشور سعودی، سنگسار است. همچنین در بعضی موردها و برای قصاص اندام دیگر بدن نیز بریده می‌شود. در این کشور افراد بزه‌کار در ملأ عام گردن زده می‌شوند. تاکنون میلیون‌ها کتاب دینی اقلیت‌های دینی توقیف و آتش زده شده‌اند.

عراق

در سال ۲۰۰۷ دعاء خلیل اُسود



دعا دختر نوجوان کُرد که از خانواده یزیدی های کردستان عراق بود، به علت عدم تمایلبه ازدواج با پسر عموی خود، باتفاق پسر مورد علاقه اش که مسلمان بوده از روستای خود فرار میکنند. این دختر و پسر از ترس کشته شدن به دست افراد خانواده ”دعا“ به منزل معاون فرماندار پناه می برند. مدتی پس از پناهنده شدن آنها به خانه معاون فرماندار توسط همسایه ها محل اختفای آنان به خانواده ”دعا“ دختر نوجوان کرد اطلاع داده می شود. در پی اطلاع یابی از محل اختفا، خانواده ”دعا“ در مقابل خانه معاون فرماندار اجتماع می کنند و از او می خواهند که دختر نوجوان را به آنان

تحويل دهند. معاون فرماندار تنها با تعهد خانواده دعا مبنی بر عدم قتل دختر، حاضر می شود او را تحويل خانواده اش دهد. خانواده ”دعا“ التزام میدهند و ”دعا“ به آنها تحويل داده می شود اما ساعاتی بعد خانواده، اقوام و همسایگان جنایتکار او در میدان ده در منطقه بشیقه او را سنگسار و لگد کوب کرده و بقتل میرسانند.

پس از آن، مقامات قضایی عراق ، عاملان این سنگسار را تحت تعقیب قرار دادند و سرانجام با تأیید دادگاه عالی جنایات موصل، حکم اعدام چهار تن از قاتلان دعا اجرا شد. دو تن از اعدای ها، برادران دعا بودند که عشق او به جوان مسلمان را مایه ننگ خانواده خود می دانستند.

طبق گزارش خبرگزاری ها در سال ۲۰۱۲ حداقل چهارده جوان در بغداد به دست تندروهای شیعه و به بهانه طرفداری و پیروی این جوانان از مد غربی موسوم به ایمو، سنگسار شدند.

در سال ۲۰۱۴ نیز مردی حدودا ۳۰ ساله در موصل به دست دولت اسلامی داعش سنگسار شد.

سنگ های سرزمین مادری

سنگ های سرزمین مادری، مشت مردان غیور

چاله ای روی زمین، چاله ای از جنس گور

دخترک را می برند، در میان جایگاهش می نهند

به خیال خام خود، تکه ای خاک بهشتی می خرنند

عابدی زاهد پرست و دین فروش

با هزاران کینه و حرص و خروش

نقل می کرد قصه ی بد کاره را

حکم می خواند، حکم او - حکم خدا

«این زن بد کاره ی شیطان صفت!

لحظه ای در یک شبی با مرد مست

معصیت ها کرده است

حکم مرگ او کنون آماده است

سنگ بردارید و سرش را بشکنید

آفت این سرزمین را برگنید

این شما و این ستون پیش رو

رمل شیطاناش کنید

سنگ را پر قدرت و بی عاطفه سویش زنید،

خاکش کنید!»

جمعیت آماده شد، خشم و نفرت زاده شد

سنگ ها را یک به یک برداشتند

پرچم ناموس و عدل افراشتند

اولین دست از میان حاضران

سنگ را پرتاب کرد، سوی نشان

غلط غلطان، محکم و زوزه کشان

بر سرش کوبیده شد، خون سرخش در هوا پاشیده شد.

نالای از دل بزد از هوش رفت،

دخترک تنها به جرم لحظه ای آغوش، رفت.

زیر لب شعر قشنگی می سرود:

« من همان نیلوفر بر روی رود

نرگسم، یاسم، نسیم، سوسنم عاشقی آوای من

قلب عشاق زمین مأوای من

از وجودم نام مرد آمد پدید

هیچ مردی بهتر از مادر ندید

من زنم در باور این مرز و بوم

نیستم بدکاره ای چون جغد شوم

مادر آرش منم سودابه ام، لیلا منم

تن فروشی را تو به من تهمت مزین

سنگ را با نام دین، بر سرم محکم مزین

لذت از آغوش یک زن می بری!

لحظه ای آغوش زن را می خری!

این منم اندر میان غرش این سنگ ها ؟

دین فروشان، جاهلان، نامردها !

در میان سخره های زندگی، این منم فانوس تو

ادعا کردی شدم فانوس تو؟!

سنگ ها را یک به یک سویم زنید

بعد سرخوش سوی منزلگاه خود روید

دردم از سنگ و زمین و خون نبود

دردم از جهل و جنون و جاهلیست

سنگسارم می کنید؟

من که زنم،

نام تو چیست؟ مردانگیست؟

ای دریغا اسم تو شرمندگیست.»

شعر : بهاره فرزام خواه

منابع :

۱. مقاله «سنگسار در اسلام و چند نکته (link is external)»
- ۲ - رساله‌ی «صد در نثر، صد در بندهش»، باب ۴۶ :
- Saddar Nasr & Saddar Bundelesh, Edited by Ervad Bamanji Nasarvanji Dhabhar ,
The Trustees of the Parsee Punchayet Funds & Properties , Bombay 1909 , p.35-36
- ۳ - Saddar Nasr, Translated by E. W. West, from Sacred Books of the East, volume
24, Clarendon Press, 1885, CHAPTER 46 : 1-3
- ۴ - ترجمه پنجاه لوح حقوقی و اداری از زمان پادشاهی کورش، دانشنامه آشورولوژی و زبان شناسی، جلد سوم،
دفتر سوم، لایپزیک، ۱۸۹۷
- Beitrage zur Assyriologie und Semitischen Sprachwissenschaft, Dritter band, heft
3, Leipzig, 1897
- ۵ - ویل دورانت، تاریخ تمدن جلد اول (مشرق زمین گاهواره‌ی تمدن)، مترجمان: احمد آرام، ع.پاشایی،
امیرحسین آریان‌پور، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ص ۴۱۹
- ۶ - آرتور کرسستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه: رشید یاسمی، ناشر: دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۸، ص
۴۱۵
- ۷ - ابو حنیفه دینوری، اخبار الطوال، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران ۱۳۸۳، ص ۱۳۱-۱۳۲
- ۸ - حسن پیرنیا، تاریخ ایران باستان، ناشر: دنیای کتاب، تهران، چاپ اول، ج ۴، ص ۲۸۶۰

۹ - شاهنامه فردوسی، بر اساس نسخه چاپ مسکو، ناشر: مؤسسه نور، تهران، در فهرست: "اندر آرام یافتن جهانیان از آیین نوشین روان"، ص ۱۱۰۱، بیت ۳۹۹۲۰-۳۹۹۲۱

۱۰ - ویکی پدیای فارسی

۱۱ - ویکی پدیای عربی

۱۲ - ویکی پدیای انگلیسی

۱۳ - <http://www.baygan.org>

۱۴ - <http://www.dw.com/fa-ir>

۱۵ - <http://database-aryana-encyclopaedia.blogspot.dk/>

۱۶ - <http://www.adyannet.com/fa/news>

۱۷ - <http://www.quran.porsemani.ir>

۱۸ - قانون مجازات اسلامی

۱۹ - ماهنامه اطلاعات روز

۲۰ - حکومت اسلامی، امام خمینی (ره)،

۲۱ - <http://www.bbc.com/persian>

۲۲ - <http://www.mohebullah10.blogfa.com>

۲۳ - جمعی از نویسندگان، درس‌نامه فلسفه حقوق،

۲۴ - صدیقه وسمقی، آیا سنگسار سنتی اسلامی است؟، در: چشم انداز ایران، شهریور و مهر ۸۹.

۲۵ - <http://hoghough82.blogfa.com>

۲۶ - آرشیو رادیو فردا - روزنامه اعتماد - روزنامه عصر ایران

